

پژواک

نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی

شماره ۱۲ ۱۹ مرداد ۱۳۶۶

در آغازی دیگر

وقته، پیش آمده بین شماره، پیشین و شماره، حاضر پژواک، بار دیگر فرصتی بدست داد تا ضمن پوزش، سخنی دیگر با خوانندگان داشته باشیم.

همچنانکه طی اسناد منتشر شده در ویژه نامه، پژواک به اطلاع رسید، "کنفرانس تدارکاتی سرتاسری جنبش توده‌ای‌های مبارز انحصالی به عنوان گامی دیگر در روند دمکراتیک اعلام موجودیت برگزار شد. با تشکیل این کنفرانس، توده‌ایهای مبارز انحصالی به نهاد های سازمانی خود رسمیتی دمکراتیک دادند، هیئت مؤسسان جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی به عنوان بالاترین نهاد سازمانی تا تشکیل نشست نهائی اعلام موجودیت انتخاب شد و کلیه فعالیت‌های سیاسی، سازمانی و تبلیغی زیر نظر هیئت مؤسسان قرار گرفتند.

در این رابطه، هیئت تحریریه، پژواک را موریت یافت که از مقطع زمانی تشکیل کنفرانس تا تشکیل نشست نهائی اعلام موجودیت، پژواک را تحت عنوان "نشریه سیاسی - خبری جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی"، زیر نظر هیئت مؤسسان منتشر سازد.

این امر برای ما و توده‌ایهای مبارز برلن غریبی به عنوان جزئی از مجموعه، توده‌ایهای مبارز انحصالی از اهمیت خاصی برخوردار بود.

از سوی دیگر، مرحله، جدید فعالیت سازمانی، انتشار پژواک تحت نظارت عالیترین نهاد سازمانی و نحوه، اعمال این نظارت، مسائل تازه‌ای را روی دوی ما قرار داد و تغییرات ضروری در سازماندهی کار را لازم ساخت.

همچنانکه پیشتر نیز اشاره شده است، انتشار پژواک در چارچوب توافقی به عمل آمده در نخستین نشستهای هماهنگی نوشتی توده‌ایهای مبارز انحصالی، عمدتاً با توان محدود فنی سازمانی توده‌ایهای مبارز برلن غریبی آغاز شد. طی نخستین شماره‌های منتشر شده،

پژواک طیرغم عنوان خود که حاکی از "خبری بودن" و در عین حال القاء کننده، محدودیت مسئولیت آن به جنبش توده‌ایهای مبارز برلن غریبی بود از سوی رفقای دیسگر سازمانهای توده‌ایهای مبارز انحصالی و خوانندگان، به عنوان تنها زبان گویای توده‌ایهای مبارز مورد استقبال قرار گرفت و بدین ترتیب انتظار و توقع فراتری را برانگیخت.

ایفای چنین نقشی برای "نشریه" خبری

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه هیئت مؤسسان جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی علیه جنگ، برای صلح

میهن ما در آستانه پشت سر گذاشتن هفتمین سال جنگ ویرانگر و نفرت انگیزی است که طی آن تلفات عظیم و جبران ناپذیر انسانی و مادی برای هردو کشور ایران و عراق به بار آمده است. جنگ شومی که هفت سال پیش با تجاوز رژیم عراق به خاک ایران و زیر پا گذاشتن تمامیت ارضی کشور ما آغاز شد، طی سالهای بعد بر اثر سیاستهای جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه یافته است.

هفت سال جنگ بی معنی برای میهن ما به

یورکن کوچینسکی :

بوروکراسی باید ریشه کن شود!

۷ صفحات ۶ و ۷

جمهوری اسلامی و امپریالیسم، رودر رو یا همسنگر؟

چند است که اخبار مربوط به ایران در صدر خبرهای جهان قرار دارند. خبرگزاریها از قتل عام ۴۰۰ زائر ایرانی بدست رژیم سعودی خبر می دهند، آمریکا به گسترش لشکرکشی خود در خلیج فارس ادامه می دهد، فرانسه و انگلیس - به ویژه فرانسه - مدتی است که وارد یک جنگ دیپلماتیک و خشن با ایران شده اند، حکام جمهوری اسلامی کف بردان فرمان آمده باشو حمله علیه شیطان بسزک و شیطان کوچک را صادر می کنند، در مکه پرچم آمریکا را به آتش می کشند و شعارهایی ضد آمریکایی سر می دهند، هر روز تظاهراتی بزرگتر از روز پیش در مقابل یکی از سفارتخانه ها دول امپریالیستی و یا کشورهای مرتجع منطقه برپا می شود، و در طرف در جنگ تند و همه

تشدید بحران در خلیج فارس

صبح سه شنبه ششم مرداد ماه، دو کشتی نفتکش کویتی به نامهای "الرها" و "العاقش" بسا پرچم و تحت فرماندهی آمریکائی با نامهای جدید "برجستون" و "گاز پرنس"، از دریای عمان حرکت خود را بطرف کویت آغاز کردند. ناوگان تقویت شده آمریکا در منطقه مزبور مسئولیت حفاظت این کشتی ها را بعهده دارد. در مجموع قرار است یازده کشتی کویتی، بسا پرچم آمریکا و تحت حمایت این کشور، نفت کویت را از طریق تنگه هرمز به بازار جهانی برسانند.

به این ترتیب آمریکا با بهره برداری از موقعیتی که ادامه و گسترش جنگ ایران و عراق بوجود آورده است، تحت پوشش حفظ امنیت کشتیرانی در خلیج فارس، کشتی های جنگی خود

اطلاعیه هیئت مؤسسان جنبش توده‌ایهای مبارز انحصالی

پرتوان باد عزم پایداری فرزندان در بند خلق!

زندانیان اعتصابی شکنجه گاه اوین، این بار با ابتکاری تازه، یعنی خودداری از استفاده از حق ملاقات با خانواده ها و بستگان نشان، با فرستادن نمانده ای برای دیدار خانواده های مشتاق ملاقات خود، خیر اعتصاب خود را به اطلاع آنان رسانده اند.

خانواده های زندانیان سیاسی که عزیزانشان به جرم آزادی، پایبندی به آرمانهای خلق و سرفروغ نیارودن در برابر رژیم قرون وسطایی خمینی در سیاهچالها به بند کشیده شده اند، باردیگر اقدامات نسبتاً وسیعی را در دفاع

طبق اخبار رسیده، اسیران در بند شکنجه داهای خمینی بار دیگر دست به اعتصاب غذا زده اند. اعتصاب غذای خیریه دنبال طرح مجدد خواسته های سیاسی و صنفی، از جمله در اعتراض به اعمال شکنجه های مستمر، وضعیت بد غذا، فقدان امکانات بهداشتی عدم برخورداری از حق هواخوری و صورت می گیرد. دامنه این اعتصاب از زندانیان تهران و کرج فراتر رفته است و زندانیان سیاسی در زندانهای تعداد دیگری از شهرستانها نیز دست به عمل مشابهی زده اند.

● جنگ قدرت اوج می گیرد! در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۱

● در حمایت از اعتصاب زندانیان سیاسی ایران در صفحه ۱۰

● اخبار رسیده از ایران ● پیرامون سفر ولایتی به آلمان

در صفحه ۸

در صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۲

تشدید بحران در...

را یکی پس از دیگری وارد دریای عمان و خلیج فارس می‌کند. اکنون آمریکا نه کشتی جنگی در اطراف تنگه هرمز در اختیار دارد. کمی جنوبی‌تر از آبهای دریای عمان یک ناوگان متشکل از هشت کشتی، تحت فرماندهی ناو هواپیمابر کانستلیشن که برای حمله به پایگاه‌های موشکی ایبران در اطراف تنگه هرمز در نظر گرفته شده است، مستقر می‌باشد. این تمرکز بی سابقه و خطرناک قوا هر روز توسط ناوهای جدید تقویت می‌شود. هم اکنون مدتی است که کشتی جنگی "سیوری" آبهای سانفرانسیسکو را به مقصد این منطقه ترک گفته است.

دولت ریگان که راه فراری از جنجال و رسوایی ایران گیت می‌جست، برای کسب حیثیت مجدد به عنوان کاپوی سازش‌ناپذیر و ضد تروریست قاطع در میان کشورهای عربی منطقه که پس از افشای روابط پشت‌پرده آمریکا با ایران از آینده خویش در مقابل توسعه طلبی و "صدور انقلاب" حکام جمهوری اسلامی بیمناک بودند، ناوگان علیی را، بنا به دعوت کویت و تحت عنوان حمایت از نفتکش‌های این کشور، رهسپار آبهای خلیج فارس کرد. اعلام آمادگی سریع شوروی برای همراهی کشتی‌های کویتی نیز به دولت آمریکا کمک کرد تا به بهانه جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی در خلیج، علیرغم مخالفت کنگره آمریکا، این تصمیم را اجرا کند. بدینگونه آمریکا با استفاده از وضعیت بحرانی منطقه توانست موفقیت چشم‌گیری در گسترش نفوذ و حضور نظامی خود در منطقه بدست آورد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در سطوح مختلف آمادگی خود را برای همکاری با آمریکا اعلام کردند. عمان بنادر و نیز نیروی دریایی خود را پسرای پشتیبانی نیروهای آمریکایی در اختیار قرار داد. امارات متحده عربی اجازه پرواز آواکس‌های عربستان بر فراز خاکش و استفاده از پایگاه‌های هوایی اش را داده است. بحرین بنادر لنکرگیری اش را برای بهره‌برداری کشتی‌ها گسترش می‌دهد. عربستان سعودی، علاوه بر آواکس‌هایش، حاضر شده است چهار کشتی مین یاب در اختیار نیروهای آمریکا قرار دهد. همچنین آمریکا می‌تواند از فرودگاه‌های این کشور استفاده کند. کویت هر چند در مقابل خواسته آمریکا برای دادن پایگاه نظامی هوایی و دریایی مقاومت کرده است، اما حاضر به تأمین مبنای سوخت رزمناوهای آمریکایی شده است. اما قدرت‌نمایی آمریکا در این منطقه از یک طرف با اعتراض شوروی که خواهان پایان دادن به تشنج در خلیج فارس است، روبرو گشته. و از طرف دیگر در امر جلب حمایت و همکاری اعضای ناتو موفقیتی بدست نیاورده است. شوروی کسه در حال حاضر یک کشتی جنگی و سه مین یاب پسرای حمایت کشتی‌های تجاری خود در خلیج فارس در اختیار دارد، ضمن اعلام آمادگی پسرای همکاری با آمریکا برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق بر اساس قطعنامه اخیر سازمان ملل، پیشنهاد خروج کلیه نیروهای خارجی از خلیج فارس را مطرح کرده است. فرانسه علیرغم اعلام

در آغازی ...

توده‌ایهای مبارز انحصالی " به هنگام پذیرفتن مسئولیت انتشار آن از طرف توده‌ایهای مبارز برلن غربی، متصور نبود. با توجه به اینکه پیش از اقدام به انتشار تصویری روشن و دقیق از نقش و عملکرد چنین نشریه‌ای در دست نبود، علیرغم توافقهای اولیه، توجه به خواست، علاقه و انتظار رفا و خوانندگان را به وفادار ماندن قالبی، به عنوان مورد توافق ترجیح دادیم. بدین ترتیب نخستین دوره "پژواک" با ناهخوانی میان عنوان و محتوا، با موافقت و تأیید نشستهای هماهنگی و استقبال خوانندگان، عمدتاً به صورت نشریه‌ای سیاسی خبری منتشر شد.

بی شک کار ما در این راستا دارای کمبودهای جدی ناشی از عامل پیش‌گفته و کمبود امکانات فنی و سازمانی بوده است. خالصی بودن صفحات پژواک برخی از مسائل مهم غلطهای نه چندان معدود چاپی، عدم انتشار به موقع و ... نمونه‌هایی از نارسائی - هائید که در رابطه با آنها مواجه با تذکر و بهره‌مند از راهنمایی‌های خوانندگان بوده‌ایم. به هرحال، آنچه که کنفرانس تدارکاتی سرتاسری در رابطه با پژواک مورد توجه قرار داد، روشن کردن نقش و جایگاه پژواک در مرحله فعلی حرکت توده‌ایهای مبارز انحصالی، لزوم رفع ناهخوانی یاد شده و بسط طرف ساختن کمبودهای کار هیئت تحریریه بود که رؤسای آن در قطعنامه "مبصوب کنفرانس در باره" پژواک منعکس است.

بدون تردید بحثهای کنفرانس در این رابطه و رهنمودهای آن، راهگشای ما در انجام مساموریت محوله خواهند بود. صرف نظر از کمبود امکانات فنی که به ناچار کار ما را حداقل تا مدتی دیگر همچنان تحت الشعاع خود

امید داریم که موفق به رفع نارسائی‌های دیگری و سرآمدن از عهده انجام وظایف محوله باشیم.

کشیدن لوله نفت از خوزستان به طرف جنوب شرقی کشور و کار به روی لوله نفت از طریق سوروی که رژیم در جهت کم‌اهمیت تر کشتن تنگه هرمز در حیات اقتصادی کشور اتخاذ کرده است، هنوز هم تنگه هرمز یکی از شاه‌رگهای اقتصادی ایران محسوب می‌شود. علاوه بر این تفوق نظامی در دریا خود برگ برنده‌ای است که حکام جمهوری اسلامی حاضر به از دست دادن آن نیستند. با وجود آنکه در محافل حاکم ایران هشدار آمریکا مبنی بر عدم تعرض به کشتی‌های تحت حفاظت سوچی گرفته می‌شود، خامنای اعلام کرد: "اگر کشتی ما را بزنند و به فرض ما نتوانیم نفت خود را صادر کنیم، اعلام می‌کنم که در این صورت اگر پرچم آمریکا هم روی کشتی کویتی باشد، ما آن را خواهیم زد." این موضع‌گیری که واقعیات جدید و اینکه آمریکا برای قدرت‌نمایی، بویژه پراز ماجرای "ایران کیت"، چنین گستاخی را بی جواب نخواهد گذارد را نادیده می‌گرفت، بزودی از طرف

اولیه آمادگی برای همراهی نظامی کشتی‌ها در خلیج فارس بزودی از زبان وزیر دفاع این کشور اعلام داشت که ناو هواپیمابر کلماسوک که در حال آماده‌باش بر سر می‌برد، فقط به قصد دفاع از منافع عمومی فرانسه رهسپار آبهای اقیانوس هند می‌شود و فعلاً لزومی به اعزام کشتی به خلیج دیده نمی‌شود. حضور نظامی انگلیس نیز محدود به سه ناوی است که از قبل در منطقه پسر می‌برند و تا حد شمالی بحرین برای حفاظت از کشتی‌های تجاری انگلیس گشت می‌زنند. درخواست آمریکا از انگلیس و بویژه آلمان فدرال برای اعزام کشتی‌های جنگی و بخصوص مین یاب با جساب منفی این کشورها که نمی‌خواهند مناف

اقتصادیشان را فدای مصالح و سیاستهای روز آمریکا در منطقه کنند، روبرو گشته است.

اگر بپذیریم که یکی از اهداف عده آمریکایی از حضور گسترده در این منطقه، جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی و از این طریق تحدید تهدیدهای آن علیه کشورهای منطقه می‌باشد، باید بپذیریم که این هدف با شکست روبرو شده است. رژیم ایران و قبل از همه خمینی برادامه جنگ با عراق تا به زانو در آمدن این کشور - اصرار می‌ورزد. از لحاظ صرف توازن قوا در جبهه -

ها، ایران در موقعیت مناسبتری بسر برد. رژیم ایران برای خنثی کردن تفوق تسلیحاتی عراق مدت‌ها است جنگ را به مناطق شمالی جبهه‌یاب - هزار و دویست کیلومتری با عراق کشانده است. در منطقه کوهستانی کردستان عراق نیروهای ایرانی توسط جنگ چریکی با همکاری جبهه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق توانستند کمبود سلاح و تجهیزات نظامی خویش در مقابل عراق را جبران کنند، نیروهای عراقی را در موقعیت دشواری قرار دهند. رژیم عراق برای خنثی کردن فشار ایران در جبهه‌ها و وارد آوردن فشار اقتصادی به ایران سه سال پیش‌تر از نفتکش‌ها و تأسیسات نفتی ایران در جنوب را آغاز کرد.

ایران با حمله به کشتی‌های تجاری غارم کشورهای عربی حوزه خلیج و به طور اولی، کویت پاسخ داد. کویت نه تنها در کنار عربستان از لحاظ مالی عراق را در جنگ علیه ایران یاری می‌رساند، بلکه با کمک به صدور نفت عراق و احتمالاً اجازه استفاده از پایگاه‌های هوایی اش به هواپیماهای عراقی در کنار عراق قرار گرفته است.

نا امن شدن خلیج فارس که هنوز هم بخش مهمی از نفت بازار جهانی را تأمین می‌کند، علاوه بر به خطر انداختن منافع کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، بهانه‌ای برای حضور آمریکا در منطقه ایجاد کرد. رژیم عراق در نظر دارد از بین‌المللی شدن جنگ به عنوان حربه‌ای برای فشار به ایران و پایان دادن به جنگ استفاده کند. طابق عزیز در دیدار خود با شولتز وزیر امور خارجه آمریکا در واشنگتن پیشنهاد ایران مبنی بر آتش‌بس در خلیج فارس بدو ن پایان یافتن کامل جنگ را مردود دانست. او همچنین خاطر نشان کرد که در صورت عدم پایان جنگ، عراق همچنان کشتی‌های غارم بنادر ایران را مورد حمله قرار خواهد داد.

به این ترتیب جمهوری اسلامی در موقعیت دشواری قرار گرفت. علیرغم تداوم چگون

علیه جنگ، برای ...

فرزندان که والدین خود را از دست داده اند، با هیچ ارزشی قابل برابری و جایگزینی نیست. اما رژیم دیوانه سر با همه گستردگی ایمن خسارات و با همه لطماتی که جنگ ویرانگر بر جامعه، مردم و اقتصاد کشور وارد کرده است، هنوز دست از لجاجت و اداها سیاست جنگ طلبانه خود برنمی‌دارد. خمینی در راس جنگ طلبان همچنان به بهانه سرکوب متجاوز و گرفتن انتقام از صدام با حرارت بر طبل شوم جنگ می‌کوبد و کشتارهای دیگری را تدارک می‌بیند. در حالی که در حقیقت خمینی و همدستانش سودای صدور انقلاب اسلامی به عراق و استقرار یک جمهوری اسلامی و گسترش نفوذ خود در منطقه را در سر می‌پروراند.

جنگ ارتجاعی از همان آغاز تا به امروز در راستای آماجهای امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در منطقه قرار داشته است. امپریالیسم آمریکا به بهانه "عدم امنیت" منطقه کشتی‌های جنگی خود را به سوی آبهای دریای عمان و خلیج فارس روانه ساخته است و روند مسلح کردن کشورهای ارتجاعی در منطقه را شدت بخشیده است. جنگ هفت سال است که عامل اصلی بی ثباتی در منطقه به شمار می‌رود. شرکت‌های اسلحه‌سازی و دلان بین المللی اسلحه بشدت از اداها جنگ خرسندند چرا که سالانه حداقل ۸ میلیارد دلار از دارایی‌های د و کشور به جیب آنها سرازیر میشود.

رژیم جنگ طلب خمینی تا کنون همه تلاشهای را که در سطح بین المللی برای خاتمه دادن به جنگ و استقرار صلح در مرزهای د و کشور صورت گرفته، در عمل بی اثر کرده است. بی منطقی و سماجت بی پایه رژیم در اداها جنگ خونین، سیاهی جنگ طلب و ی را به افکار عمومی جهان و مردم ایران شناسانده است، اما علیرغم همه لجاجتها و پافشاری ارتجاعی رژیم بر اداها جنگ، باید مصمم تراز همیشه و با استفاده از همه امکانات به این معضل بزرگ منطقه پایان

پرتوان باد عزم ...

از خواسته های فرزندان خود به عمل آورده اند. مراجعات مکرر خانواده ها به مقامات قضائی و اعتراض به اعمال ضد انسانی مقامات زندانها و عمل جنایتکاران، علیرغم تهدید، توهین و حتی ضرب و شتم، موفقیتهای نسبی به دنبال داشته است.

اینک زندانیان سیاسی با شکستن جو رعب و وحشتی که جلادان خمینی بر زندانها حکمفرما ساخته اند و در سایه آن هر صدای حق طلبانه ای را در گلو خفه می کنند، دفاع از حقوق خود بعنوان زندانی سیاسی را حره ای برای اداها مبارزه با رژیم ارتجاعی خمینی ساخته اند. اعتراضات فزاینده زندانیان سیاسی بر سر مسائل رفاهی، زندانیان ارتجاعی را علیرغم سببیت و جنایت پیشگی بی مانند شان به عقب نشینی های هر چند محدود و جزئی و تسن در دادن به برخی از خواسته های زندانیان وا داشته است.

داد. امروز باید با تکیه بر ناراضی و سیع توده های مردم از جنگ و نیز هنگام با گسترش تلاشهای بین المللی برای خاموش کردن توپ ها در مرزهای د و کشور با همه نیرو به مبارزه برای وادار ساختن رژیم جمهوری اسلامی به پذیرش آتش بس و آغاز مذاکرات صلح، بیش از هر زمان شدت بخشید. همکاری و اتحاد عمل نیروهای مترقی و صلحدوست ایران نقش مهمی در اشر بخشی مبارزه علیه سیاستهای جنگ طلبانه رژیم ایفا خواهد نمود. این مبارزه متحد بورژوازی در شرایط تلاشهای شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نیروهای صلحدوست و مترقی ایران، میتوانند و باید هم زمان با بسیج گسترده مردم علیه جنگ، بمتابه مهم ترین عرصه ای که در راستای سرنگونی رژیم جنگ طلب خمینی عمل میکند، عرصه کارزار بین المللی برای تأمین صلح را نیز مورد توجه ویژه قرار دهند.

به نظر ما در شرایط کنونی برای اثر بخشی سیاست فشار بین المللی به د و رژیم برای خاتمه جنگ باید به اقدامات مشخص که بطور مستقیم شریان حیاتی د و رژیم را هدف قرار میدهند، دست زد. در این چارچوب تحریم فروش اسلحه و لوازم یدکی ابزار جنگی به د و رژیم تا پذیرش آتش بس و اداها تحریم در مورد کشوری که از پذیرش چنین آتشبسی سر باز می زند، موثرترین وسیله به شمار می رود. در کنار تحریم اصلی باید از د و وسیله مهم دیگر فشار یعنی تحریم خرید نفت و انرژی سیاسی بین المللی نیز سود جست تا در عمل اداها جنگ را نامیسر گردانید. به نظر ما برای کام برداشتن در راه صلحی پایدار در مرزهای د و کشور، آتش بس باید با اقدامات زیرین توأم گردد:

۱- تخلیه کلیه مناطق اشغالی د و کشور و بازگشت به مرزهای پیش از سپتامبر ۱۹۸۰.
۲- آغاز فوری مذاکرات د و جنبه صلح (در صورت لزوم با شرکت یک میانجی مانند هیئتسی از

به موازات آن رژیم جنایتکار، شکنجه، تنبیه و آزار و اذیت زندانیان را افزایش داده است تا از این طریق آنان را به تسلیم در برابر نظم ضد انسانی زندانها وادار سازد. برای جلوگیری از انعکاس اخبار مربوطه به اعتصاب زندانیان، بار دیگر قرار کلیه ملاقاتهای عادی زندانیان سیاسی با خانواده هایشان ملغی اعلام شده است. طبق آخرین اخبار رسیده از ایران، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی همچنان اداها دارد. بدین ترتیب زندانیان سیاسی ایران در زندانهای جنایتکارترین رژیم ضد مردمی جهان و تحت شدیدترین مجازاتها، شکنجه ها و تزییقات، فسررادی حق طلبانه ای را سرداده اند که نیازمند پشتیبانی بین المللی است.

باید مجامع بین المللی و افکار عمومی جهانی را از آنچه که در سیاهچالهای رژیم ارتجاعی خمینی می گذرد آگاه ساخت. باید صدای حق طلبانه بهترین فرزندان خلق ایران، اسیران

درج اشعار در ستون شعر پژواک، به معنسی رابطه تشکیلاتی سرایندگان آنها با توده ایهای مبارز انحصالی نیست.

آزادی

- ماه را در گلو پنهان می‌کنم.
- زمین را در گلو پنهان می‌کنم.
- خونابه را در گلو پنهان می‌کنم.
- خنجر را در گلو پنهان می‌کنم.

گل سرخ درخشانی که در دل من می‌چرخد ستاره شفافی که جنگل دیگر را روشن می‌کند موج عظیم تو اما آزادی!
در گلو پنهان نمی‌شود.

"شمس لنگرودی"

کشورهای غیر متعهد ()

۳- آزادی فوری اسرای د و کشور. ما از همه رفقای خود دعوت می‌کنیم د و شاد و سایر نیروهای مترقی و صلحدوست میهنمان در مبارزه علیه جنگ در داخل کشور و در سطح بین المللی فعالانه شرکت نمایند. هر اندازه صدای ما رساتر باشد، هر قدر جنبش ضد جنگ توده ای تر گردد، هر چه در سطح بین المللی فشارها برای پایان جنگ شدید گردد جنگ به پایان خود نزدیکتر می‌شود و رژیم ناگزیر تن به صلح خواهد داد.

پرتوان باد مبارزه نیروهای مترقی و صلحدوست علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق زنده باد صلح مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هیئت موسسان جنبش توده ایهای مبارز انحصالی ۱۵ تیر ماه ۱۳۶۶

شکنجه گاههای خمینی را به گوش جهانیان رسانید. موفقیت در این امر در گرو فعالیت یکپارچه و هماهنگ همه نیروهای مترقی و سازمانهای انقلابی ایرانی است. اتحاد عمل ما کمل مبارزه متحد زندانیان سیاسی در برابر جلادان رژیم خمینی است.

توده ایهای مبارز انحصالی از برنامه های افشاکرانه و هیستکی جو یانه سازمانهای انقلابی در خارج از کشور پشتیبانی می‌کنند.

هیئت موسسان جنبش توده ایهای مبارز انحصالی همه رفقا را به شرکت در این اقدامات و رساتر ساختن انعکاس بانگ اعتراض همزمان در بند خود فرا می‌خواند.

پرتوان باد عزم باید از فرزندان در بند خلق گسترده باد حمایت بین المللی از زندانیان سیاسی ایران

هیئت موسسان جنبش توده ایهای مبارز انحصالی مرداد ۱۳۶۶

رود رویا همسنگر؟ ...

جانبی با یکدیگر درگیر شده‌اند و به حق می‌توان گفت که رژیم نیز در مقابل جنگ روانی‌ای که ریگان علیه ایران به راه انداخته، کم‌نیارده است.

در این میان، برخی از نیروهای سیاسی چپ ایران، که با روشن شدن قضیه، فاریسن سرسپردگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم را نتیجه گرفته بودند، امروز پشیمان‌زده در مخالفت با رژیم، این همه را بازی می‌دانند و ناه به قلب حوادث می‌پردازند، زیرا به زعم آنها اذعان به مخالفت و مبارزه جمهوری اسلامی علیه دولت‌های مترجیح منطقه و کشورهای امپریالیستی، مترقی دانستن آن می‌انجامد و نتیجتاً در مقابل به نفعی این واقعیت می‌پردازند. از طرف دیگر از آنجا که چهره واقعی رژیم خمینی به عنوان رژیم ارتجاعی، جنگ طلب و ضد بشری در میان افکار عمومی جهان شناخته شده است، طیف نیروهای سلطنت طلب و راست ایران و نیز دولت‌های امپریالیستی سعی بر این دارند که در مواقع درگیری با جمهوری اسلامی، مخالفت‌های خود را زیر پوشش مواضع انسان دوستانه و صلح خواهانه لاپوشانی کنند.

واقعیت این است که حاکمیت بنیاد داری اسلامی ایران رژیم مستقل است. محرك اصلی سردمداران آن، در صد رهمه آنها شخص خمینی پیاده کردن دکترین اسلام فقهی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی است. این حاکمیت مترجیح، ضد مردمی و ضد تمدن که برای تحقق مقاصد خود از هیچ کوششی، از قتل، اعدام، شکنجه، دست‌پیری و شلاق در داخل گرفته تا جنگ، ترور، آدم‌ربایی و تشنج در منطقه و جهان - فروگذار نکرده، از این موضع فقط از این موضع است که وارد جدال با مخالفین دکترین خود می‌شود و طبیعی است که "مرحمت" آن به طور عمده شامل حال نیروهای مترقی و کمونیست در ایران و جهان، و نیز گاه‌ها متوجه نیروهای دست راستی و وابسته به کشورهای امپریالیستی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، می‌شود. و این در حالی است که جمهوری اسلامی و محافل راست دیگر کشورها علیرغم این درگیری‌ها، از آنجا که اصولاً هر دو دارای مواضع و پیگرایی‌های هستند، در موارد بسیاری همسو شده، حتی دست به همکاری می‌زنند.

با درک این واقعیت است که مشکل شناخت دیکتاتوری مواضع جمهوری اسلامی در مقابل ارتجاع منطقه و امپریالیسم را، می‌توان توضیح داد. به عنوان مثال رفسنجانی درست در زمانی که جمهوری اسلامی در حادترین و تندترین جنگ دیپلماتیک و سیاسی با دولت شیپراک درگیر است، نهمین ماه ۳ ساعت خود پسا اغلاط پنجشنبه یکم مرداد ماه در جواب پسه سؤال خبرنگار در مورد تحریکات سیاسی علیه ایران، در رابطه با فرانسه می‌گوید:

پیش از اینکه بیایند سرکار به ما پیغام داد بودند که مثلاً فلان جا فلان کار نشود. صبر کنید تا ما بیاییم سرکار (دروود سانسلس لبنان مثلاً) بعداً حل شود. بگذارد بسا شما روابطمان را عادی کنیم. سرکار هم که آمدند همینطور شمساً نشان حل نشد قبلاً. بعد که آمدند، گروگانها شروع کردند به آزاد شدن و اینها هم نشان دادند که می‌خواهند روابطشان را عادی کنند. خوب، سه چهار ماهه اساسی با فرانسه داریم، اینها اصلاً حاضر نبودند مسائل اصلی را حل کنند.

جالب است که رفسنجانی به تباری با دست راست‌ترین وضد دیکراتیک‌ترین نیروی فرانسه، در جهت پیروزی آنها بر نیروهای چپ و دیکراتیک و سوسیالیست در انتخابات، اقرار می‌کند. در زمان حکومت سوسیالیستها گروگانهای فرانسوی آزاد شدند تا پسران روی کار آمدن دست راستی‌ها، آنها بتوا نند آزادی گروگانها را دستاورد حکومت خود و به مردم فرانسه بنمایانند. بدیهی است که در مقابل انسان به آن بخش از خواسته‌های جمهوری اسلامی می‌توانند تن در دهند که متضاد با منافع سرمایه‌داری انحصاری فرانسه نباشد. فشار و محدود کردن نیروهای اپوزیسیون ایران کم‌خرج‌ترین و پر منفعت‌ترین بخش آن خواسته‌ها برای طرفین معامله است. رفسنجانی اضافه می‌کند:

"از سه چهار ماهه اساسی با فرانسه، یکی مسأله اپوزیسیون ایران در فرانسه است. البته حل این مسئله نیز تا کنون به نفع هر دو طرف به خوبی پیش رفته است. فشار و محدود کردن فعالیت سازمان مجاهدین تا اخراج مرکزیت آنها از فرانسه فشار بر دیگر سازمان‌های چپ و مترقی و محدود کردن آنها، و حتی شایعه فشار بر بختیار و احتمال انتقال دفتر او به کانادا قبل از درگیری‌های اخیر گواه این مدعی است. اما از آنجا که "این گروهی که حالا سرکار هستند" به نمایندگی از انحصارهای بزرگ فرانسه خصوصاً انحصارهای اسلحه که در عراق سرمایه‌گذاری‌های هنگفت کرده، و پای میلیاردها فرانک سرمایه آنها در میان است، نمی‌توانند به خواسته‌های ایران علیه عراق به سادگی تن در دهند، کشکش و درگیری و بالا گرفتن آن در روابط این قلدان مترجیح، طبیعی است.

همزمان با اقرار رفسنجانی به استفاده از گروگانها در انتخابات فرانسه به منظور پیروزی رساندن شیپراک محافظه‌کار، خبرگزاریها اینک غیرتباری حکام جمهوری اسلامی با ریگان و حزب جمهوریخواه آمریکا را در به تعویق انداختن آزادی گروگانها به عنوان حربه‌ای علیه کارتر و برای کمک به ریگان افشا می‌کنند. اما از این تباری‌ها در به تعویق انداختن آزادی گروگانها در زمان حکومت کارتر و سوسیالیست‌های فرانسه نباید نتیجه گرفت که خود اشغال سفارت و گروگانگیری هم نتیجه یک تباری و بند وست پشت پرده بوده است. بلکه این دومی نتیجه تضاد و مبارزه آنها

پژواک و خوانندگان

رفیق گرامی "ن. ر"،

نامه محبت آمیزتان بدست ما رسید. ضمن تشکر، اگر چنانچه پژواک را از طریق رفقای ما در منطقه سکونت خود بطور مرتب دریافت نمی‌کنید، شعبه پخش در این مورد اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

رفیق عزیز "م. م"

از توجه شما به فقدان مطالب کارگری در پژواک متشکریم. پیشنهاد شما را با علاقه تمام مورد توجه قرار خواهیم داد. پژواک کار در این زمینه را بطور مرتب آغاز کرده است که امید داریم به زودی موفق به جبران این کمبود بشویم.

رفیق ارجمند "لاله"

اگر چه تا کنون امکان درج کامل مطالب ارسالی شما را در پژواک نداشته ایم، با وجود این مطالبی که شما برایمان تهیه کرده برایمان می‌فرستید، به طرق مختلف مورد استفاده ما واقع می‌شوند. برای شمر شمر کردن همکاری شما با پژواک طی نامه جداگانه‌ای پیشنهادات خود را در این زمینه بطور مشروح در اختیار ما می‌گذاریم.

با تشکر از همکاری صمیمانه شما و امید به ادامه فعال آن.

بحرانی...

دارای ابهامات فراوانی است و نقش این جریان و حوادث کمتر شناخته شده دیگر از چنان اهمیتی برخوردار می‌باشند، که هر دو کشور حتی به بهای قطع روابطی که طی دو سال گذشته با وسواس کم نظیر و کام به کام رویه بهبودی می‌رفت حاضر به درامای عقب نشینی نشوند.

علیه یکدیگر است.

و اما جالب است که در کشورهای سرمایه‌دار، محافظه‌کارانی چون ریگان و شیپراک در همان حال که بزرگترین عریده جوشی‌ها را علیه تروریسم می‌کردند و با ژست قاطع‌ترین نیرو علیه ترور و گروگان گیری سعی در تحریک مردم خود علیه نیروهای دیکراتیک و جنبشهای رهائی بخش می‌نمودند، با جلال‌ترین و مترجیح‌ترین رژیم تروریستی جهان که خود این چنین بی پروا به گروگان گیری اتباع این کشورها اقرار می‌کند، تباری می‌کنند، و دست در دست حکام اسلامی از همین گروگانها علیه رقبای داخلی خود استفاده می‌نمایند. و امروز که منافع غارتگرانه آنها با سیاست حکام جمهوری اسلامی در تضاد قرار گرفته است، در زیر پرچم بشر دوستی و نندیت با تروریسم و حفظ صلح، لشکر کشی و سیاست ماجراجویانه و جنگ طلبانه خود را با دستاویز قرار دادن همان سیاست توجیه می‌نمایند.

جنگ قدرت اوج می گیرد!

● انتخابات آتی مجلس و جنگ قدرت

این روزها با آنکه هنوز يك سال به انتخابات مجلس اسلامی مانده است، جنگ قدرت میان د و بلوک اصلی حاکمیت برای حذف طرف مقابل در انتخابات آینده، چنان دامنه ای پیدا کرده که اکثر مقاله ها و سخنرانی های طرفین اکتسون در حد متاین برخورد ها قرار گرفته است و حوادث بزرگی چون تشنجات و د رگیری های منطقه، نه تنها به تخفیف آن نمی انجامد بلکه به آن ابعاد سترده تر و عمیق تر نیز می بخشد.

جناح "خط امامی" به رهبری رفسنجانی و دولت خد متزاد، در حالی که عدم اقدامات قاطع به نفع زحمتکشان و وجود ناراضیاتی میان مردم را به نبود قانون (به معنی عدم وجود قوانینی به نفع مستضعفان) نسبت می دهد، با انتقاد از شورای نگهبان و اعلام تعدد موارد رد قوانین تصویبی مجلس از سوی این شورا به ۴۸ درصد طی سه سال گذشته، راه چاره را داشتن بیش از د و سوم نمایندگان "مستضعفین" در مجلس آینده قلمداد می کند. از طرف دیگر محمد رضا باهنر نماینده بافت کرمان از جناح مقابل، در نطق قبل از دستور روز ۱۹ خرداد ماه به فغان آمده، می گوید:

"۰۰۰ کم کم هیجان زود رس و مصنوعی انتخاب در جامعه بوجود آمده و بعضی ها متأسفانه تلاطم های خود را برای حذف یک گروه وسیعی از مجلس از مدت ها قبل آغاز کرده اند. ۰۰۰ اخیرا یکی از نمایندگان در سخنرانی خود در دانشگاه هشدار داده است که مواظب باشید در دوره سوم مجلس، ما نماند انتخابات میان دوره ای تهران حکومت سرمایه پیروز فنود."

باید توجه داشت که برای جناح "خط امامی"، شکست نماینده آنان "حجت اسلام احمدی" در مقابل ناطق نوری در انتخابات میان دوره ای تهران، به اندازه کافی زنگ خطری بود تا از هم اکنون با تک گرفتن از خمینی به منظور ایجاد شرایط لازم برای تحکیم قدرت فردای خود، مواضع را یکی پس از دیگری از میان بردارند یا حداقل بی اثر کنند.

این جناح به طور همزمان می کوشد تا ائتلاف و هم سوئی وسیع و شکننده ای را که حول جناح رقیب (طرفداران مالکیت نامحدود، حول روزنامه رسالت) بوجود آمده است متلاشی سازد. این ائتلاف نیروهای ناهمگونی، از خامنه ای منتظری گرفته تا لیبرالهای نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران را در بر می گیرد که وجه مشترک همه آنها مخالفت با جناح قدرت گیری "خط امامی" است.

دامن زدن به آتش اختلافات "مصدقی - بقاشی"، حمله به حزب زحمتکشان بقاشی و ایادی فعلی او و ۰۰۰ گوت های از تلاش جناح خط امامی در جهت هدف ذکر شده است. خمینی، ابتدا حزب جمهوری اسلامی را که می توان گفت عدت در خدمت جناح مقابل

بود، منحل اعلام می کند و سپهر دبیر خانه مرکزی ائمه جمعه از او می خواهد تا موافقت خود را نسبت به "استجاره" آنان مبنی بر: "عدم معرفی کاندیدا و وضعگیری" له "یسا علیه" اشخاص در انتخابات استفاده از تربیون نماز جمعه و نیز ضرورت استعفا از سمت امامت جمعه، در صورت قصد شرکت در انتخابات، با فاصله لا اقل سه ماه مانده به شروع آن و هم - چنین منع فعالیت ستاد های نماز جمعه سراسر کشور در مورد افراد خاص، ۰۰۰ اعلام دارد. خمینی نیز از این درخواست استقبال می کند و همانطور که انتظار می رفت، "استجاره" را

مورد تأیید قرار می دهد. وی همچنین در پاسخ چهارتن از نمایندگان "خط امامی" مجلس (کروبی - هادی - عبدالله نوری - حسین هاشمیان)، صریحا می گوید: "هیچ فرد و گروهی هیچ نهاد و سازمان و حزب و دفتر و تجمعی، نمی تواند در حوزه انتخابات دیگران دخالت نماید و برای غیر حوزه خود، فرد یا افرادی را کاندید نموده و از آنسان تبلیغ نماید. ۰۰۰ در شرایط کنونی اینجانب به هیچکس اجازه نمی دهم از سهم مبارک امام علیه السلام ویا اموال دولت و دفاتر و سازمانها و مجامع و اموال عمومی، خرج انتخابات کنند. بنا بر این، از يك طرف خمینی با انحلال حزب جمهوری اسلامی و در جواب بالا به ائمه جمعه و چهار نماینده مجلس، عملا روحانیت مبارز و مدرسین حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی را که عدت در خدمت جناح راست قرار دارند از دخالت در انتخابات، محروم می کند و از طرف دیگر جناح خط امامی بدین هم بسنده نکرده، با در دست داشتن وزارت کشور، آنجا که زورش می رسد، به قلع و قمع کلیه مخالفین در این وزارت خانه کلیدی در امر انتخابات، می پردازد. به طوری که یکی از معاونین وزارت کشور اخیرا گفته است: "ما با کسانی که اختلاف ریشه ای داریم، مانند منافقین، کمونیسم، لیبرال و حجتیه، باید برخورد حذفی، نمائیم." وزارت کشور به حدی در این "جنگ جناحها" پیشرفته است که به گفته ناطق نوری وزیر سابق آن، در عرض هفده ماه و نیم ۱۷۰ انتصاب در سطح استاندارها و کلا ۳۷۲ انتصاب جدید در طی مدت مذکور، از طرف وزارت کشور صورت گرفته است. خود محتشمی در مقام وزیر کشور، در جواب سؤال عباس زائری نماینده بندر عباس در باره این جایجایی ها و خصوصا برکناری فرماندار بندر عباس می گوید: "۰۰۰ بنایمان را بر حاکمیت دولت گذاشته ایم. دولتی که مورد تأیید امام است و هر کسی که مخالف دولت باشد، بدون رود رابستی، ما کنارش می گذاریم. ۰۰۰۰۰ ما از طریق نصیحت و توصیه، مسئولین سیاسی و اجرایی کشور را سخی کردیم در خطی که به نظر ما مورد تأیید و نظر حضرت امام است، قرارشان بد هیسم، ولی

بیدند افرادی که حاضر نیستند که این سیاست را اجرا کنند. برای این اساس، ما مجبور بودیم که این روش را اعمال کنیم." عباس زائری برای نشان دادن هدف این جایجایی ها، به گفته یکی از معاونین وزارت کشور استناد کرده، از او نقل می کند: "۰۰۰ اگر ما بخواهیم در آینده، مجلسی يك دست داشته باشیم، ناچاریم تمام استانداران و فرمانداران را عوض بکنیم و آقای محتشمی، مشغول این کار است."

البته محتشمی همه جا هم از موفقیت برخوردار نبوده است، زیرا طرف مقابل نیز به مقاومتی جدی دست زده است. تحویف کوهپایه ای، استاندار خراسان، با معاونش طباطبائی که از جناح دولتیان بود، با آن چنان سر و صدا و ایستادگی جناح مقابل به رهبری آیت الله طبیبی، نماینده امام در خراسان، روبرو شد که عاقبت با تعویض مجدد، عابدی پسنی (حجتیه ای) جایش را گرفت. بالاخره هر چند باز گذاشتن دست دولتیان در کنترل نرخها، توزیع کالاهای اساسی و تمیز گرانی فروشان، امتیاز جدیدی بود که خمینی به دولتیان داد و اگر چه وی بیشتر جناح موسوم به خط امامی را تأیید و تقویت می کند، با اینحال تلاش می نماید که موفقیت خود را در ورای این صفت بندیها حفظ کرده، مواضع خاص خود را به پیشبرد.

علاوه بر آن، مواضع مهره ها و عناصر در جناح نیز لزوما در همه موارد منطبق با مواضع جناح خود نیست.

● مسئله جنگ و جنگ قدرت

طی هفته های اخیر، در پی تشدید اوج گیری جنگ سفارتخانه ها، بخصوص پس از لشکر کشی آمریکا به خلیج فارس و پیام "برائست از مشرکین" و متعاقبا کشتار حجاج ایرانی توسط حکام مرتجع سعودی و بالاخره به دنبال آن، تظاهرات خشمناکین اعتراضی مکرری که در تهران بر پا گردید، همچنین به نظر می رسد که این بار نیز، دولتیان می کوشند تا از این ماجراها، چون اشغال سفارت آمریکا در زمان خود، در جهت انحراف افکار عمومی از مشکلات موجود و به منظور سرکوب مخالفین و منتقدین داخلی، استفاده کامل خود را بیبرزند. اگر در مسائل داخلی، بخصوص در مورد مواضع اقتصادی، طرفین مواضع خود را روشن بیان می کنند، موضعگیری صریح در مورد جنگ، با توجه به اهمیت و حساسیت ویژه اش، بخصوص موضع قاطع خمینی نسبت به آن، آسان نیست و اختلاف نظرها طبیعتا در شکل پوشیده تری بیان می گردند. با این حال، رفسنجانی در مصاحبه سه ساعته ای با مسئولین روزنامه "اطلاعات" در باره جنگ، به دو راه حل ممکن و اختلاف نظر میان مسئولین جهت تصمیم گیری

کوچینسکی:

بوروکراسی باید ریشه کن شود!

یورگن کوچینسکی، به سال ۱۹۰۴ در ریسک خانواده یهودی چشم به جهان گشود. او در سن ۲۲ سالگی به پیشدرباره "تاریخ موقعیت کارگران در سرمایه داری" در چهل جلد دست زد. از سال ۱۹۳۳ در یکی از شاخه‌های رهبری حزب کمونیست آلمان مخفیانه فعالیت داشت و در سال ۱۹۳۶ مجبور به مهاجرت

به لندن شد. کوچینسکی در سال ۱۹۴۶ به برلین بازگشت و عضو حزب سوسیالیست متحده آلمان شد. همزمان با آن در دانشگاه هملولت برلین به عنوان پرفسور تاریخ اقتصادی به تدریس پرداخت و نیز ریاست انجمن دوستی آلمان و اتحاد شوروی به او واگذار شد. او همچنین مسئولیت‌دایره تاریخ اقتصادی آکادمی علوم

آلمان را برعهده گرفت. کوچینسکی همواره یکی از مشاورین معتبر رهبری حزب سوسیالیست متحده آلمان بوده است.

آنچه می‌خوانید، قسمت‌هایی از مصاحبه‌ای است که در ماهنامه "سیاسی و فرهنگی" کنکرت است که در آلمان فدرال منتشر می‌شود.

مقاله‌ای در مورد اینکه آیا امپریالیسم بدون تسلیحات می‌تواند زندگی کند می‌نویسم. انگلس در قرن نوزدهم، در نوشته‌ای راجع به خلع سلاح نوشته بود که کاپیتالیسم با وجود خلع سلاح می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. سپس لنین آمد و بد رستی اظهار داشت که امپریالیسم بدون جنگ، عملکردی ندارد. امروز هم مسئله به نوع دیگری مطرح است، زیرا در یک جنگ جهانی، کسی زنده نمی‌ماند. در نتیجه، در مورد این مسائل و خیلی از زمینه‌های دیگر می‌باید تفکر جدیدی داشت.

کنکرت: اگر شما ابتکارات گوریاچف را چنین عالی ارزیابی می‌کنید، چه برداشتی می‌داشتید اگر ارایش‌هونگر هم مانند دبیر اول حزب کمونیست شوروی چنین نطقی در برابر کمیته مرکزی حزب واحد سوسیالیستی می‌کرد؟

کوچینسکی: میدانید، این امر پیچیده‌ای است. ما با اتحاد شوروی در سیاست خارجی و در مساله جنگ و صلح توافق کامل داریم. ما خیلی پیشتر از شوروی، یک سری اقدامات را در زمینه اقتصاد به پیش برده‌ایم. اما، امر بزرگ و بنیادینی که گوریاچف به همراه آورده است بازگشت به برخورد آشکار و تهاجمی لنین می‌باشد. ما در اینجا می‌توانیم بی‌اندازه از شوروی درس بگیریم. کنکرت: یعنی باز هم مثل گذشته "از شوروی بیاموزیم تا پیروز شویم"؟

کوچینسکی: نه همیشه. زمانی چنین نبوده است، با این وجود باید اذعان کنم که من کاملاً احقانه همیشه همکاری کرده‌ام.

کنکرت: گوریاچف گفته است: "ما به دکراسی مانند هوا برای تنفس نیاز داریم." منظور چه نوع دکراسی‌ای می‌باشد؟

کوچینسکی: دکراسی مورد نظر گوریاچف همکاری تمامی انسانها در روند تکامل می‌باشد. مثلاً یک گوشه در منطقه "وایسن ز" یک دکمان نانوائی را می‌بندند، زیرا یکی از مقامات مسئول دولتی احساس می‌کند که اندازه کافی نانوائی وجود دارد. دکراسی این است که (اصولاً برای چه ناپایده مجلس داریم) اواز ناپایندگان بخواهد که با مردم تماس بگیرند که آیا آنها هم به وجود نانوائیهای بسیار اذعان دارند؟ می‌بایستی در کارگاهها - نه در ره آنها - بلکه در بیشتر آنها، ابتکارهای کارگران برای تخفیر مناسباتی که کار آنها را مختل می‌کنند تقویت گردد. اصولاً باید در فکر این بود که

تحت فشار "مبارزه طبقاتی جهانی" برخی از کمپوها اجتناب ناپذیرند، طبیعتاً هر کس می‌تواند انتقاد را سرکوب نماید.

کوچینسکی: خوب، اما من چندان هم سرکوب نکرده‌ام.

کنکرت: اما مدافعین، کسانی که نازیباها را زیبا جلوه می‌دهند در هر مسئله کوچکی از این دلیل استفاده می‌کنند. آنها مرتیب می‌گویند: دقت کنید، دشمن نیز می‌شنود.

کوچینسکی: طبعاً این احقانه است. بدیهی است که دشمن گوش فرا می‌دهد و درباره ما بی‌اندازه زیاد می‌داند؛ چه ما آنرا بگوئیم و چه نگوییم. در مقابل، اگر کمپوها آشکارا بیان شوند، مردم استقبال خواهند کرد.

کنکرت: ولی، چرا اکنون انتقاد به نارسائیها و کمبودهای کشورهای سوسیالیستی مطرح می‌گردد؟

کوچینسکی: من از سالها پیش از این، انتقاد می‌کرده‌ام. هنگامیکه برژنف در کنفرانس ۲۶ اعلام داشت که فیلسوفهای ما چیزهایی را ثابت می‌کنند که مدت‌ها پیش به اثبات رسیده است، خیلی خوشحال شدم و هنگامیکه آندره یف بیان داشت که اقتصاد دانان ما می‌بایستی بالاخره مسائل جدیدی نیز عرضه کنند شاد شدم. اما، گوریاچف خیلی بهتر گفته است. برای من سه دوره بزرگ علوم اجتماعی در تاریخ بشریت وجود دارند. اولی عبارتست از یونان باستان؛ دوم، رنسانس و دوره سوم عبارتست از سالهای بیست و اوایل سالهای ۳۰ در اتحاد شوروی. این مسئله که گوریاچف غالباً اینچنین عالی به لنین رجوع می‌دهد، برای من به مثابه یاد آوری دوران لنین و شاگردانش می‌باشد. در آن دوران هوشیاری خاصی حاکم بود که هم مسائل بسیار مثبت و هم اشتباهات بی‌اندازه ظریفی به همراه آورد. ما، هنوز نفهمیده‌ایم که اشتباهات قابل فهم چه اهمیتی می‌توانند داشته باشند. ما، هنوز نفهمیده‌ایم که بحث درباره این اشتباهات خیلی بیشتر از هزاران مورد درست، ولی کوچک، به ما کمک می‌کنند.

کنکرت: گوریاچف آنچه را که در پییش دارد، انقلاب می‌نامد. این چه نوع انقلابی می‌تواند باشد؟

کوچینسکی: این، یک انقلاب در تفکر و اندیشه است. در مورد تمام مسائل می‌باید نسو و عقولانه فکر شود. من هم اکنون به طور مثال

کنکرت: یک کمونیست وضعیت سرزمین سوسیالیستی خویش را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهد. او از "پدیده‌های غیر قابل تحمل بوروکراسی" صحبت می‌کند؛ او خواستار گسترش دکراسی "است" و از "بزرگ کردن هسل" و از "حرفهای پرطمطراق مدافعین سوسیالیسم، انتقاد می‌کند؛ او مطبوعات را به "نداشتن روح نقادانه" متهم می‌کند، او خواستار انتخابات و چشم پوشی از یکپارچگی آراست؛ او خواهان مبارزه با روح جامعه مصرفی غربی است که همه جا رخنه کرده است. نوشته‌ای که در آن تمامی این مسائل مطرح شده است، تحت عنوان "فتکوبانواده ام" در سال ۱۹۸۳ و با نام شما منتشر گردیده است. این نوشته حتی تا جزئی ترین فرمولبندی‌های آن با سخنان گوریاچف در برابر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی در ژانویه امسال یکسان می‌باشد. آیا شما تنظیم کننده سخنان دبیر کسبل حزب کمونیست شوروی می‌باشید؟

کوچینسکی: اول اینکه شما اکنون چنین مطرح کردید که گویا هم گوریاچف و هم من در ابتدا جنبه‌های عالی سوسیالیسم را توصیف کرده‌ایم و سپس به مسائل بسیار مهم، اما جنبی آن پرداخته‌ایم. در این رابطه من تلاش کرده‌ام مشخص نمایم که کدامیک از این پدیده‌ها ناشی از اشتباهات خود ما و کدامیک ناشی از دشواری‌های وضعیت جهانی هستند. دوم: تصور می‌کنم که گوریاچف و من، در یک امر مشترک باشیم - اگر جایز باشد که آن را چنین فرمولبندی کنم - و آن اینکه، ما به لنین رجوع کرده‌ایم.

کنکرت: شما هم مانند گوریاچف هرگاه که ضرورت ایجاب کند، تنها به لنین استناد می‌کنید؛ غالباً از دیگر رهبران حزب پس از لنین کم یسار می‌شود.

کوچینسکی: بله، از آنها هم ما ننسند. دانشمندان علوم اجتماعی کمتریاد می‌شود. گوریاچف بیان داشته است که دانشمندان علوم اجتماعی در نیم قرن اخیر، چیز زیادی عرضه نداشته‌اند. این را هم من خیلی پیشتر از این گفته‌ام.

کنکرت: شما هم میان نارسائیهایی که از خود سوسیالیسم ناشی می‌شوند و نارسائیهایی که "مبارزه طبقاتی جهانی" به آن تحویل کرده است، تفاوت می‌گذارید. با این استدلال که

کوچینسکی : من ، خیلی هم نگران هستم . منافع ما هنوز همانی است که درکنگره هفتم کمیترین مطرح گردید ، درست مانند زمانی که دیمترف مخالفت خود را نه بر علیه سرمایه‌داری انحصاری ، بلکه علیه جناح ارتجاعی آن کسه در فاشیسم متجلی شده بود ، متوجه ساختیم . اکنون ، اوضاع چنین است . در آمریکا راند مان تولید اقتصادی بندرت بالا می‌رود ، شاید سالانه یک دوم و یا یک درصد در برابر سه یا چهار درصد در سالهای گذشته . علت در این است که بیش از نیم از دانشمندان در هشت درصد تولید یعنی تولیدات نظامی سهم هستند . در نورد و دود درصد باقی‌مانده اقتصاد کمتر از پنجاه درصد دانشمندان سهم هستند . تاثیر این امر در تولیدات غیر نظامی دیده می‌شود . شما هم بخاطر نزول کیفیت محصولات آمریکا را می‌شنوید . من مایلیم با این بخش از سرمایه‌داری انحصاری نشان بدهم که آنها با توجه به قیاس جهان سرمایه‌داری در اثر تمرکز سرمایه‌داری تسلیحات ، هرچه بیشتر زیان می‌بینند . و من می‌خواهم به آنها نشان بدهم که سود آنها در صورتیکه تصمیم به خلع سلاح بگیرند ، بیشتر خواهد شد .

کنکرت : این واقع‌بینانه است؟ آیا ایسین پنجاه درصد دانشمندان که امروز در صنایع نظامی شاغلند بیکار نخواهند شد ؟
کوچینسکی : نه ، نه ، زاین را با آمریکا مقایسه کنید . چرا زاین در تمام عرصه‌ها از نظر تکنیک پیشرفته است؟ زیرا تمامی متخصصین خود را در صنایع غیر نظامی متمرکز کرده است .
کنکرت : ولی در زاین هم رشد تولید ناخالص ملی نزول می‌کند ، در آنجا هم بیکاری بطور فزاینده دیده می‌شود ، بعلاوه شما می‌نویسید که سرمایه‌داری مدهتاست محکوم به مرگ است . آیا توصیه‌های شما ، کمک برای مرگ سرمایه‌داری است؟

کوچینسکی : من مطمئنم که اگر خلع سلاح انجام شود روند مرگ طولانی‌تر خواهد شد . با این شناخت می‌خواهم توجه انحصارات غیر نظامی را به خلع سلاح جلب کنم . لنین یک بار گفت که منافع عمومی جامعه مقدم بر منافع پهلایاست . از آنجائیکه خلع سلاح و حفظ صلح مصلحت عمومی جامعه است ، اصلا برای من مهم نیست که برای منافع صنایع نظامی آمریکا نگران باشم .
کنکرت : ولی این صنایع می‌باید برای چه کسانی تولید کنند؟ بازار جهان سوم تقریباً از بین رفته است . بازار سرمایه‌داری هرچه بیشتر به بازارهای داخلی محدود می‌شود . اگر انحصارات آمریکا در بازارهای جهان سوم کسی بیشتر کالا عرضه دارند ، زاین و اروپای غربی در فروش کالا محدود تر می‌شوند . در اینصورت شرایط عمومی اردوگاه سرمایه‌داری نیز هرگز تغییر نخواهد کرد .

کوچینسکی : چرا اگر سرمایه‌داری از تولیدات نظامی چشم‌پوشی کند ، شرایط جهانی مجموعاً تغییر خواهد کرد . علیه امپریالیستی کاری نمیتوان کرد اما ، علیه تسلیحات امپریالیستی می‌توان اقدام کرد .

عظیم سازندگی در لحظه کنونی از سرمایه‌داری روشهای کار آن بهتر است .

کوچینسکی : اینطور؟ گاهی من از باهوشی‌ام شگفت زده می‌شوم .

کنکرت : پس در مورد سیاست‌فروشگاههای خارجی (اینترنشنال) چه فکر می‌کنید ؟

کوچینسکی : این مسئله دیگری است کسه دقیقاً به داستان ارز خارجی مربوط می‌شود . من در سال ۱۹۳۰ با کارل رادک دیدار کردم . ما گفتگوی دوازی داشتیم و او در میان گفتگوها لطفیه‌های شدیدا ضد شوروی تعریف می‌کرد . من گفتم : رفیق رادک ، چرا چنین می‌کنید ؟ او پاسخ داد : رفیق کوچینسکی ، این مسئله مهمی است . ما این لطفیه‌ها را در مقابل ارزی به دشمن می‌فروشیم . مسئله ارز خارجی ، مشکلی بسیار قدیمی تمام کشورهای سوسیالیستی است و وقتیکه ما از طریق فروشگاههای خارجی بسه ارز دسترسی پیدا می‌کنیم ، خوب عیبی ندارد . این امر ، حقیقتاً چیز زیبایی نیست .

کنکرت : به این وسیله یک قشر ممتاز بوجود می‌آید که صاحب ارز با ارزشتر خارجی است . این مسئله می‌بایستی پیامدهای مخرب ایدئولوژیک نیز داشته باشد .

کوچینسکی : این مسئله خوشایند نیست ، اما بنظر می‌رسد که نیاز به ارز خارجی از جنبه‌ها بالاتری برخوردار است تا زیانهای ایدئولوژیک .
کنکرت : به یقین ، سیاست‌فروشگاههای خارجی در چارچوب اشتباهات قابل فهم نمی‌گنجد .
کوچینسکی : نه ، نه ، من در این مورد کاملاً خونسرد هستم . من ، هرگز به این فروشگاهها نمی‌روم .

کنکرت : چیزیکه امروز به نام سوسیالیسم واقعاً موجود خوانده می‌شود ، در سالهای آینده در چه جهتی رشد خواهد کرد ؟

کوچینسکی : تعیین کننده روند تکاملی در اتحاد شوروی خواهد بود . اگر این روند ، آنگونه که گوریاچف و هیئت سیاسی می‌خواهند بسه پیش‌رود ، تحول عظیمی را در کشورهای سوسیالیستی بوجود خواهد آورد . من برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ ، در شوروی بودم . چیز با ارزش آن دوران جنب و جوش مردم بود . کسب دوازه این حرکت ، تعیین کننده انقلابی است که گوریاچف برای آن تلاش می‌کند .

کنکرت : سوسیالیستهای ترسو و سرمایه‌داران پراامیدی وجود دارند که معتقدند این انقلاب می‌تواند به ضد انقلاب تبدیل گردد .

کوچینسکی : این اعتقاد و این واقعیت که ما در مسائل تعیین کننده نسبت به سرمایه‌داری برتری داریم ، به ما اطمینان می‌دهد کسه فراتر رفتن از مرزهای کهنه و لیبرالیزه‌کردنی که با هشیاری تمام به پیش می‌بریم ، ما را بسه آن سوئی نخواهد برد که خبرنگاران جهان سرمایه‌داری آزوی آنرا در سر می‌پروانند .

کنکرت : شما گفتید که روی مطلق کار می‌کنید که اساس آن بر این نظر متکی است کسه سرمایه‌داری با وجود خلع سلاح می‌تواند بسه حیات خود ادامه دهد . چرا شما نگران چگونگی ادامه حیات سرمایه‌داری هستید ؟

کارگران چه می‌خواهند . لنین از اینکه مردم ناراضی‌هایشان را ابراز کنند شاد بود ، زیرا اعتقاد داشت که ناراضی‌ها باعث ابتکار عمل آنان خواهد شد . برعکس ، در جامعه ما بخاطر تجربیات منفی از بوروکراسی ، بی‌قیدی و بی‌تفاوتی بسیار حکمفرماست . بوروکراسی در کشور ما وحشتناک است .

کنکرت : شما نوشته‌اید که بوروکراسی در سوسیالیسم بهتر از بوروکراسی در سرمایه‌داری می‌باشد ، زیرا بوروکراسی در سوسیالیسم متوجه هر فرد می‌باشد .

کوچینسکی : درست است . یا یکپارچگی وحشتناک مصواتی را در نظر بگیریم . مصواتی در باره مبارزه در راه صلح وجود دارند کسه می‌بایستی یکپارچه باشند . اما ، تمام بحثهای علمی چه در کارگاهها ویا در کمیته مرکزی ، اگر در آنها انسانهای روشنفکر وجود دارند ، من می‌بایستی به برداشتهای متفاوت بپانجامد . لنین هر جلسهای که در آن تصمیمات علمی یکپارچه گرفته می‌شد ، بی تردید از هم می‌پاشاند . او حتما به خود می‌گفت که آنها ، احق و کله خرد هستند . اگر انسانهای روشنفکر در باره انتخاب بهترین راه بحث می‌کنند ، بنابراین می‌باید برداشتهای متفاوتی ارائه دهند . . . به همین دلیل ما اصلی را در حزبمان داریم که بنا بر آن تصمیمات بسیار نظر اکثریت گرفته می‌شوند و یکپارچه به مورد اجرا در می‌آیند .

کنکرت : اما پس از لنین ، برای طبقه کارگر این اصل اساساً مصداقی ندارد .

کوچینسکی : نه تنها برای طبقه کارگر .
کنکرت : همچنین برای قشر روشنفکر و برای . . .

کوچینسکی : برای همه .
کنکرت : چگونه آنها دوازه به این اصل هادت خواهند کرد . آیا آنها را می‌بایستی با تربیتی دیکتاتور منشاءه مجبور ساخت که بالاخره نظریاتشان را بگویند ؟

کوچینسکی : نه . مسئله بسیار مهمی که در جامعه ما رشد نکرده است ، جدال افکار می‌باشد . این امر نه تنها در تصمیمات علمی بلکه در بحثهای علمی نیز عقب مانده است . انتقاد علمی در جامعه ما ملال‌آور و خسته کننده است ، اصلاحی‌گری برای گفتن ندارد .

کنکرت : شما در کتابتان با این برداشت که در سوسیالیسم هنوز "تضاد های هماهنگ" وجود دارند ، مخالفت کرده و نوشته‌اید : "هماهنگی در زندگی روزمره جامعه سوسیالیستی ، روهایی خرد و بوروکراسی و آدمهای سطح پائین می‌باشد ." چه تضادهایی در آلمان دکراتیک وجود دارند ؟

کوچینسکی : بعنوان مثال ، بوروکراسی ما چنین تضادهایی را که بوسیله سنتزها به یک چیز نو و بهتر تبدیل نمی‌شوند ، و باید از میان برده شوند آشتی ناپذیر می‌نامیم . هدیریت سوسیالیستی و بوروکراسی ، یک تضاد آشتی ناپذیر می‌باشند . بوروکراسی می‌باید نابود گردد .

کنکرت : در یک جای دیگر می‌گوئید : مشکلات

پیرامون سفر ولایتی به آلمان

ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، برای يك دیدار کوتاه، روز ۲۲ ژوئیه وارد بن کردید. طی این دیدار، وی برخلاف عرف دیپلماتیک با رئیس‌جمهور آلمان نیز گفتگویی داشت، که حتی مخالفت کهل، صدراعظم این کشور را نیز پراکنیخت. ولایتی در این سفر، همچنین با کهل و گنشر وزیر امور خارجه و دیگر مقامات آلمان، دیدار و گفتگو داشت.

سازمانهای مترقی ایرانی در اعتراض به سفر ولایتی به آلمان، در برابر ساختمان وزارت امور خارجه این کشور در رکن دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات به صورت خشونت آمیزی، مورد حمله پلیس قرار گرفت و بیش از صد تن از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. همچنین تظاهرات دیگری نیز در همین رابطه، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در برلین انجام گرفت.

سفر ولایتی به آلمان با توجه به حوادث اخیر از جمله قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، قطع روابط دیپلماتی ایران و فرانسه، اهمیت زیادی می‌یابد. به همین مناسبت هم رسانه‌های گروهی آلمان، تلاش کردند که برای تحمیق افکار کشورشان، این سفر را تنها در چارچوب "آزادی گروگانهای آلمانی در بیروت" خلاصه نمایند و از چهره تروریست جمهوری اسلامی چهره‌ای "ضد تروریست" ترسیم نمایند. از جمله کهل صدراعظم آلمان از گوششهای ایران برای آزادی گروگانهای آلمانی در لبنان، تشکر و قدردانی نمود.

سفر ولایتی و مذاکرات وی با دولت آلمان

آلمان، بخصوص هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که به فشارهای تضییقی آلمان به پناهندگان ایرانی، توجه داشته باشیم. همانگونه که در شماره‌های پیش‌نویس، پلیس آلمان، شبانه به اردوگاههای پناهندگان هجوم می‌آورد و درخواست کنندگان پناهندگی ایرانی را دستگیر می‌کند.

دولت آلمان، در برابر افکار عمومی چینی نشان می‌دهد که روابط صمیمانه با رژیم "ولایت فقیه" تنها به خاطر نجات جان گروگانها می‌باشد. اما در حقیقت، منافع اقتصادی چپا و لکرانه این کشور است که به عامل تعیین کننده برای برقراری "روابط دوستانه" با رژیم خونخوار خمینی بدل شده است. لازم به یادآوری است که نه تنها آلمان در صدور راجدول مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای جهان قرار دارد، بلکه کنسرنهای نظامی این کشور، همچنانکه اکنون دیگر افشا شده است، با ارسال اسلحه به ایران در طول مدت بیش از هفت سال جنگ سودهای سرسام آوری برده است. ولی از طرفی افشاء این مناسبات هنگامی صورت می‌گیرد که کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل و از جمله آلمان، به قطعنامه "آتش‌بس" این ارگان رای مثبت می‌دهند. این واقعیت نشان می‌دهد که اداه جنگ از سوی د و کشوری که اکنون به ورشکستگی کامل اقتصادی دچار شده‌اند، در نهایت منافع اقتصادی کشورهای اروپای غربی را در منطقه آسیب پذیر می‌سازند. از همین روست که وزارت امور خارجه آلمان سیاست

دیوانهای با جمهوری اسلامی ایران و حکومت بعث عراق در پیش گرفته است.

گنشر، وزیر امور خارجه آلمان، به هنگام سفر ولایتی، عراق را "مقصر اصلی" در شروع جنگ خواند. ولی پس از آنکه این موضع‌گیری رسمی با مخالفت شدید عراق روبرو گردید، وزیر امور خارجه آلمان نیز به تعدیل این موضع پرداخت و به طاری عزیز قول داد که آلمان تنها "از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل پیروی خواهد کرد". دولت آلمان نیز در گفتگوهایشان با ولایتی، ضمن خواستار شدن تحکیم روابط د و کشور، بر "خاتمه جنگ" تأکید داشتند. همینجا باید گفت که آلمان برای "تحکیم این روابط"، برنامه‌هایی هم جهت "بازسازی مناطق جنگ زده ایران و عراق" تهیه دیده است. از طرف دیگر منافع اقتصادی کشورهای صنعتی اروپای غربی ایجاب می‌کند که با وجود پشت‌پا زدن دائمی ایران به قواعد بین‌المللی و عدم هرگونه تعهدی در روابط آنها، باز جهت حفظ جمهوری اسلامی ایران در چارچوب روابط و مناسبات اقتصادی و سیاسی موجود و گسترش هر چه بیشتر آن، بکوشند.

هی جهت نیست که دولت آلمان، بخاطر حفظ و گسترش اینگونه مناسبات با ایران، علناً پناهندگان ایرانی را به "اصل توبه در اسلام" رجوع می‌دهد و از آنان می‌خواهد که "توبه کرده و به جمهوری اسلامی بازگردند".

جنگ ... بقیه از صفحه ۵

نسبت به آن، اشاره نسبتاً صریحی می‌کند: "وضع جنگ از دو حال خارج نیست. ۰۰۰ يك راه این است که همینجوری وضیع عادی را زیاد به هم نزنیم. عمران کمتر و حرکت بطنی سازندگی را تحمل کنیم و جنگ را ادامه دهیم. ۰۰۰ و به همین صورت سالانه خود را به جاهای استراتژیک نزدیکتر کنیم و خودمان را به همین صورت حفظ کنیم تا کار را به نهایت برسانیم، که این يك مقدار طول می‌کشد. ۰۰۰ حالت دیگر آن است که بیائیم و کفه جنگ را سنگین کنیم و کفه امور جاری کشور را سبک کنیم. ۰۰۰ که در این صورت، ما باید اولویتها را مطلقاً به جنگ بدهیم."

او در مقابل این نظر "اطلاعات" که طولانی کردن جنگ را "سیاست دشمنان اروپایی" می‌کند و معتقد به پیروزی هرچه سریعتر در جنگ است، می‌گوید: "من نگران آن شرایطی که می‌گوئید نیستم. اگر نگرانی در این باره هست، احتمالاً در تصمیم‌گیری است، که ما ممن استیم. دچار مشکلاتی بشویم."

بدین ترتیب رفسنجانی رسماً از اختلاف نظر در مورد جنگ، صحبت می‌کند و در برابر نظر "اطلاعات" مبنی بر مختل شدن بودجه جنگی در صورت "ادامه عادی نگهداشتن شرایط"، می‌گوید: "این همان بحث قبلی است. اگر

جمهوری اسلامی، در مقابل با لشکر کشی آمریکا را بیان می‌کند. خمینی در مقابل او و امثال اوست که در نطق "برائت از مشرکین" که همه مسلمانان را به شورش علیه جهانخواران دعوت می‌کند، می‌گوید: "امروز که سران کفر و شرک همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند. ۰۰۰ چه باید کرد؟ آیا باید در خانه‌ها نشست و تحلیل‌های غلطو اها نته به مقام و منزلت انسانها و القاء روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان عملاً شیطان و شیطان زادگان را تحمل کرد؟ درست در برابر همین چینه باید کرد؟ که رفسنجانی درگیر نشدن و بخشیدن "متخلف" را موعظه می‌کند، خمینی موضع دیگری دارد: "اگر خمینی یک و تنها هم بماند، به راه خود که راه مبارزه با شرک و ست پرستی است ادامه می‌دهد."

خمینی از چنین موضعی به عنوان رهبر تندرو طرفدار صد و انقلاب با تکیه بر امت حزبالله. با شعار جنگ جنگ تا پیروزی و با ایجاد جو تشدد هیجان آمیز علیه آمریکا و ارتجاع منطقه است که با دعوت مسلمانان به شورش، درگیری‌های خونینی چون حادثه اخیر مکه را به جلا می‌آورد.

و اما در این میان، خانمهای با رسته‌های رادیکال ضد آمریکائی خود، با سیاست خمینی و این جبهه همسوئی بیشتری از خود نشان داده است. بنابراین بقیه در صفحه ۱۲ -

پشت جبهه بد نیا شد، برای جبهه هم بهتر است. گرانی سرسام آور هم برای خانواده‌های مستضعف و مصرف کننده که عدد تا تأمین کنند، نیزه‌های جبهه اند، ممکن است آنها را نسبت به سأل جنگ و دیگر سایل، مست و مشکوک گرداند. از این رو، پشت جبهه‌ها باید کنترل شود. تصمیم‌گیری در این باره، به تشخیص صاحب نظران است. ۰۰۰ در حقیقت او به عنوان يك سیاستدار پراگماتیست، بدون موضع‌گیری صریح، آخوند و موافقت خود را با راه حل اولی، یعنی ادامه جنگ به شکل فعلی و با استراتژی طولانی، اعلام می‌کند.

رفسنجانی در مخالفت با "تندروها" که از زبان مسئولین "اطلاعات" دولت را به نداشتن "سیاست قاطع مشخصی" در مورد کویت متهم می‌کنند، می‌گوید: "۰۰۰ حال باید چه کنیم؟ آیا با آنها وارد جنگ به شویم، در این شرایطی کشورهای بزرگ قصد دخالت در این منطقه را دارند؟ ما نمی‌توانیم اقدام کنیم. ۰۰۰ سیاست ما آن است که کشورهای خلیج فارس را ایسرا ن درگیر نشوند و در صورت تخلف، آنها را ببخشائیم."

چنانکه پیدا است، رفسنجانی در مقابل خواسته تندروها مبنی بر قاطعیت علیه کویت، سیاست بخشش و نزدیکی به آنان را موعظه کرده و عجز

انحلال حزب جمهوری اسلامی و جنگ قدرت

در خرداد ۱۳۶۶ حزب جمهوری اسلامی منحل اعلام گردید و پیروان هاشمی رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی خود ادعا می کنند که حزب منحل نشده بلکه فعالیت های آن متوقف گردیده است. او اعتراف می کند که فعالیت حزب عمدتاً در جهت مخالفت و سرکوب سازمان های مترقی و پوزسیون بعد از انقلاب پیوسته و اکنون این امر دیگر ضرورتی ندارد.

بر این اساس بود که پس از انقلاب روحانیت طرفدار ولایت فقیه، کمیته ها، سپاه پاسداران، جهاد اسلامی، خانه کارگر و هزاران انجمن اسلامی و غیره را تشکیل داده و در این میان نقش اساسی و هماهنگ کننده را حزب جمهوری اسلامی عهده دار شد. از میان فعالیت های اولیه حزب می توان سازماندهی انجمن های اسلامی با هدف فعالیت های مخرب برضد نیروهای مترقی، منجمله چاقوآوران، و بساط هدف نفوذ و بسط ارکانهای امنیتی، همچنین خانه کارگر با هدف مبارزه با فعالیت آگاه کرانه نیروهای مترقی در میان کارگران و کانالیسز کردن خواسته های کارگر را بر شمرد. لـذا می توان گفت که این حزب لااقل در آغاز انقلاب به عنوان مرکز قدرت و سازمان اصلی نیروهای رژیم عمل می کرده است. روشن است که نیروهای مختلفی که در برقراری نظام ولایت فقیه دینفع بودند، همه این مرکز قدرت پیوسته دانشجویان اسلامی دانشگاهها، بازاریان "محترم" روحانیون مختلف، کارگران مسلمان، لومین ها ۰۰ از جمله عناصر تشکیل دهنده حزب بودند که چهره ناهمگون و از نظر اجتماعی متناقض این حزب را رقم می زدند (از همان آغاز نفوذ طرفداران حزب زحمتکشان بقایای نیز در این حزب کاملاً آشکار بود.)

پس از طی تثبیت نظام و انجام وظایف اولیه تناد منافع سیاسی - اقتصادی این نیروها به رشد و سرختری پرداخت و آرام آرام در ساختمان حزب شکافهایی ایجاد کرد و این خود را از طرفی به صورت جدا شدن عناصر و گاه گروه های کوچک، نمایان ساخت و از طرف دیگر بسته شدن اتحادهای موقت مابین نیروهای مختلفی، که علی رغم برخی اختلافات، هر کدام به نوعی به هم نزدیک بودند صف بندیهایی در حزب شکل گرفت که منجر به پیدایی جناحها شده با توجه به اینکه اعلامیه تعطیل حزب به امضای خائنه ای، با عنوان دبیر کل، و رفسنجانی، بدون عنوان حزبی، منتشر گردیده است، می توان گفت که نمایندگان رسمی جناح های مقابل عدتاً رفسنجانی و خائنه ای می باشند. فعالیت جناح رفسنجانی در سالهای اخیر برای تسلط بر مجلس، دولت و سپاه پاسداران و کسب حمایت بیشتر خمینی در جهت برخی سیاست های معین، برای تسلط بیشتر بر امکانات حزب نسبت به جناح خائنه ای میدان می داد. از سوی دیگر با شکل گیری اتحاد موقت میان خائنه ای

و طرفداران بقائی مدتها تعادل شکننده ای میان این دو جناح اصلی برقرار گردید چنانکه مسئولیت تشکیلاتی حزب و جوانان آن عملاً بدست جاسبی و زواره ای از یادی بقایای افتاده بود، از این طریق در طول زمان آنچه حزب را قبضه کرده بود که ناطق نوری در نطق خود علیه محتشمی وزیر کشور برای دفاع و اثبات عدم باند بازی خود می گوید که در زمان داشتن مسئولیت وزیر کشور، معاون سیاسی وزارتخانه که کلیدی ترین نقش را بازی می کند عضو حزب نبود. یعنی در حقیقت عضویت در حزب مساوی با وابستگی به این جناح است.

البته در عین حال هزار چند گاه بر سر مسائل حیاتی تری برای رژیم و با پادرمیانی خمینی بین همین دو جناح عده نیز اتحادهایی صورت گرفته، که حمایت خائنه ای از رفسنجانی در مورد حذف جریان رادیکال اسلامی مهدی هاشمی، که در خارج از حزب فعالیت می کرد، از آن جمله به شمار می آید که نهایتاً به دستگیری و نابودی وی و یارانش منجر گردید. می توان گفت که این آخرین تشکیلات غیر حزبی بود که با حمایت منظری و خارج از حیطه قدرت این دو جناح حزبی فعالیت می نمود. در این بین افشای تماس پنهانی رژیم با آمریکا که عمدتاً توسط جناح رفسنجانی کارگردانی می شد، می توانست به جناح رقیب فرصت هجومی اساسی دهد که قبل از هر اقدامی با واکنش سریع خمینی خنثی گردید. پس از چندی و با آرام شدن جو نا مساعد ناشی از تماس با آمریکا، رفسنجانی به هجوم متقابل پرداخت. دستگیری عناصر جناح مقابل، منجمله اخوان کاشانی از پیروان بقائی و دستگیری خود بقائی، تعطیل تشکیلات عملاً جناح مقابل، یعنی حزب جمهوری اسلامی که به هر حال توسط جناح خائنه ای کنترل می شد، مساجحه اساعته وزیر کشور با روزنامه کیهان بر علیه ناطق نوری، تمامی سلسله اقداماتی هستند که از قبل طراحی شده و این زنجیره باز هم ادامه خواهد یافت.

نطقها و موضعگیریها در مجلس بیش از هر چیز دیگری نمایانگر وجود و ادامه این سلسله حوادث هستند. سبحانی نیا، نماینده نیشابور در جلسه ۲۱ خرداد با توجه بر عدم رضایت امام جمعه، جامعه، روحانیت و شورای هماهنگی نهاد های انقلاب اسلامی نیشابور از نصب فرماندار جدید توسط دولت، خواستار ابقا فرماندار قبلی می گردد. نماینده خوی تذکر مناسبی به دولت می دهد، ولی کاکاکان استانداران و فرمانداران زیادی تعویض می گردند. آذری قمی، نماینده مجلس و یکی از رهبران جامعه روحانیت (که در جناح خائنه ای است)، که ادامه یابی این سلسله حوادث را خطرناک می بیند، برای "جلوگیری از شکست انقلاب" به دست بوسی عزیزان مخالف و موافق پرداخته، پرهیز از درگیری و اختلاف و بد گوئی و دشنام و تهمت را طلسم می کند. ابراهیم اسرافیلیان که خود از پیروان

اخبار رسیده از ...

را وادار به عقب نشینی و بازگشتن به شهر می کنند. دهقانان می گفتند: "تنها موقعی می توانید زمینها را تصاحب کنید که از روی اجساد ما عبور کنید." پیر مرد کشاورزی می گفت: "آن موقع که اینجا بیابان لم یزرع بود، اینها کجا بودند که حالا با پاسدار و "حکم قانونی" به اینجا می آیند؟"

همچنین از روستای سوزن آباد از توابع سنقر کلیایی خبر می رسد که رژیم پشستیان مالکین و فئودالها به مرور کلیه زمینهای را که قبلاً همراه با اوجگیری انقلاب مردم توسط دهقانان صادره شده بود، با زور سر نیزه و چاقو پاسداران جنایتکار از چنگ زحمتکشان روستائی بیرون آورده و آنها را مجسدا در اختیار خوانین بزرگی چون بیگوند ها (حیدر) و امجدی ها قرار می دهد تا این عده مجدداً بر مقدرات زحمتکشان حکومت کنند. این مسئله تا کنون کشکشها و درگیریهای شدیدی را بین دهقانان از یکسو و پاسداران و کمیته چسی های مزدور از سوی دیگر موجب شده است.

بقائی به شمار می رفته، چنان تحت فشار قسار گرفته که از وزارت اطلاعات درخواست می کند، با توجه به در دست بودن مدارک افراد منحرف (پیروان بقائی) از سالهای قبل نسبت به شنا سائی و معرفی آنها اقدام کند. شاید که خود از مهلکه جان سالم بدر برد. ناطق نوری در مجلس به محتشمی حمله کرده و از چاقو مخالفت با دولت صحبت می کند که عده ای آن را بر سر دیگران می کوبند.

این رویدادها و سلسله حوادث گواه بر آنند که درگیری درونی رژیم نه تنها در جهت تخفیف کلام بر نمی دارد، بلکه نشانه هنده آنست که تعطیل حزب مرحله دیگری از ادامه رشد روند اختلافات درونی رژیم است. همانطور که رفسنجانی تذکر داده است - مطابق نوشته های کیهان هوایی - حزب منحل نگشته بلکه در آخرین جلسه حزب رقیبا به این نتیجه رسیده اند که حتی امکان دورهم گرد آمدن و صحبت کردن نیز از دست رفته و باید هر یک فعالیت خود را به طور جداگانه دنبال کند. طبیعی است که حذف این مرکز قدرت، کشکشهای درون حزبی را این بار به درون دیگر نهاد های حکومتی، انتقال خواهد داد. کشکش جناح های رقیب از طریق مبارزه برای تسلط و کارگیری پاره تشکیلات و امکانات کوناگون حزب و تمامی ارکانها، دیگر، منجمله انجمن های اسلامی، خانه کارگر، کمیته ها، سپاه و غیره ادامه خواهد یافت.

این مرحله از مبارزه و درگیریهای رژیم مطمئناً فضای مناسبتری را برای فعالیت آگاه گزانه نیروهای مترقی ضد رژیم فراهم خواهد ساخت. اما در شرایط فقدان یک آلترناتیو انقلابی برای رژیم، نتیجه گیری عجولانه و غیر مسئولانه در اعلام آغاز فروپاشی رژیم نیز موجه به نظر نمی رسد. لذا تشکیل عنصر جایگزین که دارای اعتبار ملی و بین المللی باشد، وظیفه سنگینی است که بر دوش تمامی نیروهای مترقی قرار دارد.

در حمایت از اعتصاب زندانیان سیاسی ایران

بدنبال اعتصاب غذای تعدادی از زندانیان سیاسی میهن‌مان در زندانهای اوین و گوهر - دست که از تاریخ ۱۱ ژوئیه ۸۷ آغاز شد، نیروهای سیاسی خارج از کشور نیز جهت حمایت از این حرکت، در کشورهای و شهرهای مختلف اروپا - دست به اعتراضات و اعتصاب غذای گسترده‌ای زده‌اند. ما، به منظور انعکاس هرچه وسیع‌تر این اعتراضات، چکیده " گزارش‌های مزبور را برای اطلاع خوانندگان "پژواک"، منتشر می‌سازیم:

طبق خبری که به ما رسیده است، پناهندگان ایرانی مقیم آلمان، جهت پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی شکنجه‌گاه اوین در، تاریخ ۲۵ ژوئیه گذشته، در شهر نورنبرگ تصمیم به یک حرکت اعتراضی گرفتند. به این منظور یک کمیته هماهنگی دمکراتیک، متشکل از سازمانها مختلف تشکیل گردید. در جهت برگزاری این حرکت اعتراضی، با تمام خوابگاه‌های خانوادگی پناهندگان تماس گرفته شد و با گروه‌های مختلف نیز گفتگو به عمل آمد.

پناهندگان ایرانی از روز دوشنبه ۲۷ ژوئیه، در مرکز شهر نورنبرگ چادری برپا ساختند و ضمن پخش اعلامیه‌ها و نصب تصاویر جنایت رژیم، به افشاکاری پرداختند.

کلیسای شهر نیز اتاقی جهت اعتصاب غذای تیر پنج روزه، پناهندگان ایرانی، در اختیار محتر - ضین قرارداد. ۲۰۰ نفری که در این اعتصاب غذا شرکت کرده بودند با حمایت گسترده دیگر

ایرانیان روبرو گردیدند. همچنین به دنبال گفتگوی اعتصاب‌کنندگان با سازمانها، روزنامه‌ها و مراکز رادیویی، این حرکت اعتراضی انعکاسی مطلوب پیدا کرد.

حزب کمونیست آلمان ضمن پیامی، پشتیبانی خود را از این حرکت اعلام نمود.

انجمن ضد فاشیستهای آلمان، ضمن ارسال نامه‌ای به سفارت ایران در برلین و نامه‌ای به کهل صدراعظم آلمان، حمایت خود را از پناهندگان ایرانی، ابراز داشت.

مسأله مهمی که در این حرکت، به چشم می‌خورد، همکاری نیروهای مختلف، به‌دور از اختلافات نظری و سیاسی، حول افشاکاری جنایات رژیم ولایت فقیه، بود. تنها کومه، طبق گزارش رسیده، با انتشار اعلامیه‌ای و ارسال آن برای "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" علیه این حرکت موضع گرفته و از شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی، بنام "مجموعه خاننین" یاد کرده است.

کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران نیز برای حمایت و پشتیبانی از زندانیان در بند شکنجه‌گاه‌های ایران و بمنظور افشای جنایات رژیم "ولایت فقیه" در برابر افکار عمومی آلمان، در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۸۷ در برلین غریبی، دست به اعتصاب غذا زدند. در این حرکت، اعتصابیون به افشای تضحیقات و جنایات رژیم اسلامی در زندانهای ایران پرداختند. این اعتصاب غذا در مرکز صلیب سرخ برلین برگزار گردید و تلویزیون این شهر نیز گزارش آن را منعکس

ساخت. متأسفانه، هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان وحدت کمونیستی - با انتشار اعلامیه‌ای، بخاطر شرکت در این حرکت مشخص، آنرا محکوم ساختند.

درفرانکفورت نیز اعضا و هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پخش اعلامیه‌ای، ضمن افشای جنایات رژیم، جهت دفاع از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندانهای گوهرشت و اوین، در مرکز حزب سبزها در شهر "نورداند" از تاریخ ۲۷ ژوئیه ۸۷ است به اعتصاب غذای نامحدود زندان آنها از تمام ایرانیان مترقی خواسته‌اند که با حمایت از این اعتصاب غذا، به هر طریق ممکن، همبستگی خود را با زندانیان اعتصابی در اوین و گوهرشت، ابراز دارند.

فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ضمن انتشار اعلامیه‌ای خبر اعتصاب غذا در زندانهای اوین و گوهرشت را گزارش داده و نوشتند: "از روز پنجشنبه ۲۵ تیر اعتصاب غذای دلاوران زندانیان سیاسی اوین به اعتصاب غذای خشک تبدیل شده است."

این سازمان نیز جهت دفاع از زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی ایران در روز ۲۱ تیر در شهر کلن، دست به اعتصاب غذا زد و از "احزاب و سازمانها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه" خواست که به جنایات رژیم ولایت فقیه، اعتراض نمایند.

بحرانی‌فرا تراز ابعاد ظاهری

سرانجام بحرانی که از نهم تیر ماه بطور آشکار میان فرانسه و ایران بر سر مخفی شدن وحید کرجی مترجم سفارت در محل سفارت آشکار شده بود، به قطع کامل روابط دو کشور انجامید. وحید کرجی روز سوم ژوئن ۱۹۷۸ (۱۳ خرداد) از سوی باز پرس پرونده شبکه تروریستی تونسوی و برخی انفجارهای سال گذشته پاریس جهت ارائه برخی توضیحات احضار شده بود. اما پلیس فرانسه در تلاش برای ابلاغ حکم احضار، اثری از وی نیافت.

مطبوعات فرانسوی در آن زمان خبر از فرار وی از مرز اتریش با کمک منابع وزارت خارجه فرانسه می‌دادند. آنها بویژه به نقش حساس وی در روابط ایران و فرانسه و مسئله کروگانها در لبنان اشاره می‌کردند بطوریکه دستگیری وی میتواند بسیاری پیشرفتهائی که طی ماهها مذاکره حساس و فشرده بدست آمده - بسود یکشنبه برپا دهد.

در سی ام ماه ژوئن ناگهان معلوم شد که وحید کرجی در سفارت ایران در پاریس پنهان شده و پلیس فرانسه به همین دلیل محل سفارت را به محاصره خود در آورد. دو روز بعد یعنی ۱ تیر ماه کرجی با یک اقدام غیر منتظره طی یک مصاحبه مطبوعاتی در محل سفارت ظاهر شد

دولت فرانسه که زیر نظر مستقیم رفسنجانی انجام می‌گرفت، دولت شیراک رهبری مجاهدین را از فرانسه بیرون راند و یک سوم از وام یک میلیاردی شاه به فرانسه را به حساب ایران واریز نمود. در پی این اقدامات ۴ کروگان فرانسوی در لبنان نیز آزاد شدند. اما مسئله نقش فرانسه در جنگ ایران و عراق و حمایت نظامی فرانسه از عراق همواره گره کور مذاکرات و طرف باقی مانده بود. همچنین از وحید کرجی بختوان یکی از مهره‌های خرید اسلحه در اروپا نیز نام برده می‌شود.

مطبوعات فرانسوی بویژه به نقش وی در ارتباط با نیروهای طرفدار خمینی در میان کارگران غرب مهاجر فرانسه اشاره دارند. به نظر این مطبوعات بحرانی شدن روابط دو کشور شکست دیگری برای رفسنجانی به عنوان معمار سیاست‌های سازی تد رنجی روابط با غرب و پیروزی برای جناحی در جمهوری اسلامی می‌دانند که با بهبود روابط با کشورهای غربی سرسازش ندارند. اما آنچه در این میان کمتر مورد بحث قرار می‌گیرد، اهمیت قضیه کرجی برای فرانسه است که در گذشته برای عادی ساختن روابط خود حاضر به عقب نشینی هک جدی در برابر ایران شده بود.

بهر حال آنچه مسلم است قضیه کرجی هنوز

و کاربرد سفارت اعلام کرد که گرجی از طریق یکی از مقامات وزارت خارجه فرانسه از ماجرای بازداشت خود مطلع گشته و به توصیه وی در محل سفارت باقی مانده است.

از این تاریخ روابط دو کشور بسرعت رو به تیرگی نهاد. حادثه ۲۰ تیر ماه فرودگاه ونسو و مجروح شدن محسن امین زاده دیپلمات ایرانی حامل برخی اسناد سری توسط پلیس فرانسه (به ادعای ایران) بر وخامت اوضاع افزود و سرانجام در پی اخطار ۲۲ ساعته ایران به فرانسه دایر بر پایان بخشیدن به محاصره سفارت ایران در فرانسه دولت فرانسه در ۲۶ تیر ماه تصمیم گرفت روابط سیاسی خود با ایران را قطع کند.

قضیه وحید کرجی و نقشی که در تیسره ساختن روابط ایران و فرانسه ایفا کرد، از پیچیدگی ویژه برخوردار است. کرجی که در خانواده‌ای ساکن فرانسه بزرگ شده و تحصیلات خود را در همین کشور به پایان برده است، یکی از فعالترین چهره‌های انجمن اسلامی طرفدار خمینی بشمار میرفت. در سالهای اخیر فعالیت وی به همراه معیری معاون نخست وزیر بطور عمده حول عادی سازی روابط ایران و فرانسه و برخی مذاکرات سری در اروپا متمرکز شده بود. در سایه مذاکرات وی و معیری با

گزارش رسیده از ایران

گرانی سرسام آور اجناس و وضع زحمتکشان

هر روز که از عمر رژیم نیکت بار خمینی می‌گذرد، فشارهای اجتماعی ناشی از سیادت مشتی کلان تاجر و بازاری غارتگر سرسام‌آور دوش زحمتکشان میهن ما بیشتر می‌شود. ایسین واقعیتی است که تاجران و بازاریان کردن کلفت با زد و بند با رژیم فقها به آنچنان وزنهای در حاکمیت سیاسی بدل شده‌اند، که عملاً بدون جلب رضایت و محترم شمردن "منافع آنها"، دولت خد متکرار "میر حسین موسوی" قادر به انجام کوچکترین اقدام عملی نیست.

قیمت اجناس لحظه به لحظه تغییر می‌کند از گوشت، روغن، برنج و مرغ کوهی، علی‌رغم ادعاهای دروغین رژیم در روزنامه‌ها، هیچ خبری نیست زحمتکشان برای گذراندن زندگی خود چاره‌ای جز انتظار طولانی در صفهای نانوائی را ندارند. در بیمارستانهای دولتی و از جمله در بیمارستان هزار تخته‌خوابی موسوم به "بیمارستان امام خمینی" به بیماران محروم زحمتکشی که از اقصی نقاط ایران به آنجا آمده‌اند و پس از چندین روز نوبت شبانه روزی موفق به بستری شدن در آنجا شده‌اند، رسماً و علناً گفته می‌شود که: "بیمارستان توان تامین غذائی بیمار را ندارد و خانواده‌ها موظفند خودشان دستورات غذائی پزشکان را از بازار آزاد برای بیماران تهیه کنند." این راه‌های دارویی و شیر خشک خالی، تولیدات کارخانه‌های داروسازی بخاطر اخراج کارگران، به حداقل ممکن رسیده است. شرکت دارو پخش که سابقاً بیش از ۸۰ تا ۱۵۰ قلم دارو و لوازم بهداشتی را در لیست دریافتی در اختیار داروخانه‌های سراسر کشور

قرار میداد، اکنون به واسطه فروش ۲ الی ۳ نوع صابون و حد اکثر تا ۵ قلم دارو (بطور عمده قرصهای مسکن و سرماخوردگی) تبدیل شده است. شیر خشک که مورد مصرف اکثریت مردم است، نایاب و یا در صورت یافت شدن به ده برابر قیمت به فروش میرسد و علاوه بر آن تاریخ مصرف آن عموماً گذشته است.

مردم زحمتکش در صفهای طولانی صبحگاهی از ساعت ۵ الی ۸ صبح با تحمل توهین و تحقیر تنها به منظور دریافت شیشه نیم لیتری شیر پاستوریزه به انتظار می‌ایستند. در مناطق جنوب شهر تهران و شهرستانها اساساً شیری توزیع نمی‌شود. قیمت شیر در بازار آزاد به لیتری ۳۰۰ تومان رسیده است.

رژیم به هر بهانه‌ای مردم را مورد اخاوی و چپاول قرار می‌دهد. در بندر عباس و سمنان رژیم به بهانه ایجاد پناهگاه‌های نظامی، از هر دانش‌آموز دبستانی و دبیرستانی ۲۰۰ الی ۵۰۰ تومان به زور اخاوی کرده است. این در حالی است که این دو شهر تا کنون حتی یکبار هم مورد حمله هوایی واقع نشده‌اند. مالیاتهای سنگین بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. سرپنجاه زحمتکشان از جمله در خاک سفید تهران پارس و در ترک آباد و بیرقان کرج، توسط اعزام مشتقی ایاشاز طرف شهرداری این مناطق، بر سر ساکنین آنها خراب می‌شود.

در کارخانه‌های سایپا (تولید کننده پیکان)، رژیم (رنو) و ایران خود رو (تولید کننده پیکان)، ضد کارگری جمهوری اسلامی ماشینهای خود رو تولید شده را با قیمت ارز "دلار آزاد" بیس

مزایده گذاشته است. قیمت یک دستگاه رنو هم اکنون به ۴۰۰ هزار تومان رسیده است. ایسین در شرایطی است که وحشیانه‌ترین تفتیشات ضد کارگری در حق سازندگان و تولید کنندگان ماشین‌های فوق انجام می‌گیرد. تعداد زیادی از کارگران این واحدهای تولیدی اخیراً بسا زور به جبهه‌ها گسیل شده‌اند و بخشی از آنها را به کار در عرصه تولید جنگ افزار واداشته‌اند. قیمت یک سکه طلا به ۱۳۵۰۰ تومان رسیده است و بی تردید به سیر صعودی خود ادامه خواهد داد. در واقع نیز افزایش قیمت سکه طلا که تنها در سال گذشته سه برابر شده است، خود معیاری برای سنجش اقلام عمومی دیگر می‌باشد. به موازات این گرانی و فلاکت زحمتکشان، دلان و تجار غارتگر با همکاری و هماهنگی فقهای خون آشام، ابعاد غارت و چپاول خود را افزایش داده و سودهای هنگفت و ثروت‌های افسانهای به هم می‌زنند. تجارت عمده کالاهای پارس در دست عدای تجار محم و ملا قرار دارد. دست‌دلان و واسطه‌ها برای هرگونه کاری باز است. بعنوان نمونه میتوان به شهرستان سنگسر (از توابع سمنان) اشاره کرد که در آن عدای دلال به سرپرستی فردی بنام عبدالسیاه با همکاری و پشتیبانی آخوند مرتجع و حاکم شرع سمنان، انحصار خرید و فروش دامهای اهالی سنگسر را که تنها از طریق دانداری گذران زندگی می‌کنند، به دست گرفته‌اند و اهالی را از فروش دام‌های خود به دیگران منع می‌کنند. بدیهی است که قیمت دام‌های خریداری شده توسط این باند‌های کثیف و غارتگر، بخفا به یک پنجم قیمت موجود در بازار می‌رسد. در همین رابطه کوچکترین مقاومت مردم با سرکوب وحشیانه پاسداران و افراد کمیته و زندان و شکنجه ریسو می‌گردد.

پیکار دهقانان علیه خوانین

ادامه دارد

از روستای قاسم آباد سمنان خبر می‌رسد که دهقانان و زحمتکشان ساکن آنجا، بسا بیل و داس و مشت‌های گره کرده از ورود مالکین سابق این روستا (یزدی و فرزندان حاج حسن علوی) به قصد تصرف مجدد زمینهای کوه زحمتکشان با نیروی کار خود بار آور کرده بودند، مانعت کرده و آنها را وادار به عقب نشینسی می‌کنند. قابل ذکر است که بر اثر بی کفایتی بی عرضگی این خوانین و خشک شدن قنات‌های آب، سالهای سال مردم این روستا و روستاهای اطراف با خشکسالی و فقر غیر قابل تصویری دست به گریبان بودند. تنها با همت این رنجبران بود که طی دو سال اخیر مزارع و باغات اطراف بارور شده و تولیدات آن مورد بهره برداری قرار گرفت. همین مساله باعث گردید که خان مجدداً با ارائه حکم حاکم شرع مرتجع به روستا آمده و خواستار ابرترداد "زمین خود" می‌شود. اما کشاورزان مرعوب صحنه سازی خان و پاسداران پشتیبان او نشده و با خشم و کینه خود آنها

بقیه در صفحه ۹

اخبار رسیده از ایران

مقاومت کارگران پارس الکتریک

اخیراً کلاهدوز مدیر ضد کارگری کارخانه پارس الکتریک، طی یک سخنرانی علنا و رسماً اعلام داشت، که "با جبهه یا اخراج" وی همچنین تا کنون از پرداخت هرگونه پاداش یا اضافه پوی به کارگرانی که مدتی در جبهه به سر برده‌اند، خود داری کرده است. این موضوع باعث اقدام دسته جمعی کارگران به منظور اعتراض به تصمیمات فوق شده است. در این رابطه، در اواخر فروردین ماه ۶۶ کارگران پارس الکتریک طی یک طومار دسته جمعی مشترکاً اعلام کردند که از رفتن به جبهه خودداری کرده و تسلیم نظرات مدیریت کارخانه نخواهند شد. طبق اطلاع ما مزدوران و جاسوسان انجمن اسلامی پارس الکتریک تحقیقات دقیقی را به منظور شناسائی "عاطین اصلی" تهیه طومار آغاز کرده‌اند.

تشبثات رژیم برای سرریز گیری

ادامه دارد

طی هفته‌های اخیر، هجوم گسترده

گزه‌های رژیم به منظور سرریزگری در تهران، کرج، کرمان، ورامین و چند شهر دیگر افزایش یافته است. این مسئله در عین حال موجب بروز مقاومت‌های دسته جمعی جوانان در مقابل بسا پیام‌آوران مرگ شده است. در میدان راه آهن تهران، گروهی از کارگران ساختمانی کوه در محل اجتماع کرده بودند، مورد محاصره غافلگیرانه و بازجویی مزدوران رژیم خمینی قرار می‌گیرند. مهاجمین از کارگران و حتی افراد سالخورده در محل، خواستار کارت پایان خدمت می‌شوند. زحمتکشان این منطقه ضمن خودداری از ارائه کارتهای شناسائی و یا پایان خدمت، بطور دسته جمعی به هوکسردن مهاجمین می‌پردازند. عین این واقعه با هجوم ماموران کمیته جهت سرریزگیری از ورزشگاه تختی واقع در جاده کرج تکرار می‌شود. اما کلیه ورزشکاران حاضر در محل دست‌بسته مقاومت دسته جمعی زده و از دادن هرگونه پاسخ به سئوالات خودداری می‌کنند. مقاومت یکپارچه و تعداد زیاد حاضرین در ورزشگاه باعث می‌شود که گزه‌های خمینی دست‌از‌پا درازتر محل را ترک نمایند.

تشدید بحران در...

سردمداران جمهوری اسلامی مورد تجدید نظر قرار گرفت. رفسنجانی در نماز جمعه ۲ مرداد ماه جاری اعلام کرد: "ایران تصمیم جدیدی در سیاست مقابل به مثل خود گرفته است. ۱۰۰ این بار اگر به مراکز و تأسیسات اقتصادی ما حمله شود، مراکز اقتصادی شرکای عراق را خواهیم زد و این یکی از نتایج دخالت آمریکا در خلیج فارس است". جمهوری اسلامی همچنین برای قدرت نمایی متقابل اعلام کرد که به زودی نیروی دریایی مانوری به نام شهادت درآبهای دریای عمان و خلیج فارس خواهد داد. به این ترتیب رژیم ایران با شناخت ضربه پذیری کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تهدیداتش را متوجه این کشورها ساخت. این موضع گیری ایران کار را بر آمریکا دشوار خواهد ساخت. آمریکا از طرفی نمی خواهد با رود روی نظامی که هیچ نتیجه ای جز رشد احتمالی تمایلات اسلامی و ضد آمریکایی، راندن ایران به نزدیکی بیشتر با شوروی و تضعیف نیروهای معتدل تر طرفدار روابط نزدیک با غرب در ایران نخواهد داشت. کشیده شود و از طرف دیگر نمی تواند در بحرانی که ورود ناوگان آمریکا به خلیج فارس خود به تشدید آن کمک کرده است، متحدینش در اطراف خلیج فارس را تنها بگذارد. هر چند عراق بعد از انقلاب حضور آمریکا در خلیج فارس تا کنون از حمله به کشتی ها و تأسیسات نفتی ایران خودداری کرده است اما با وجود این روند رویدادها در جهت تشدید بحران پیش رفته است. سخنرانی اخیر خمینی بمناسبت لزوم حجاج به مکه که در آن وی ضمن پافشاری مجدد بر اداه جنگ و اخطار به آمریکا، مسلمان های دیگر کشورهای را به هبستگی فرا خواند، آغاز دور جدیدی از رفتار جمهوری اسلامی برای صدور "انقلاب اسلامی" بود.

انعکاس حادثه مکه در ایران تظاهرات صدها هزار نفری سازماندهی شده از طرف رژیم، حمله به سفارتخانه های عربستان و کویت و حملات لفظی مرعیه تر و متهاجم تر از هر زمان علیه عربستان سعودی و آمریکا بود. خمینی شخصا آمریکا را تهدید به انتقام کرد. رفسنجانی گفت که خاندان سعود عربستان باید سرنگون شود. جمهوری اسلامی اعلام کرد که برای سه روز تنگ هرگز را به روی تمام کشتی ها و هواپیماهای دیگر کشورها خواهد بست. قرار است در این سه روز نیروی دریایی ایران با همکاری نیروی هوایی و زمینی مانور بدهند.

پس از برخورد های مکه بین ایرانیان تحریک شده از طرف رژیم ایران و مؤمرین انتظامی رژیم عربستان سعودی، همچنین در پاکستان و لبنان به حمایت از جمهوری اسلامی تظاهرات برپا شد.

اکنون بیشتر از هر زمان دیگر جنگ خانمانسوز ایران و عراق تهدید به گسترش ابعاد خود به تمام منطقه خلیج فارس و دریای عمان می کنند. همانطور که قطعنامه شورای امنیت تأکید کرده است، هرگونه اقدام جداگانه کشورهای مختلف، مانند قدرت نمایی آمریکا در منطقه، به وخامت

بوروکراسی باید...

کنکرت: به نظر می رسد که شما از وضعیت سی در هر اسید که آمریکا تنها دچار آنچنان مشکلات اقتصادی ای شوند که به جان یکدیگر بیافتند. کوچینسکی: این خطر کاملاً وجود دارد. ۱۴۰ سال قبل مارکس از هر بحران سرمایه شگفت زده می شد، زیرا او تصور می کرد که بحران انقلاب را نزدیکتر می کند. امروز من به هیچوجه از بروز بحران های دورانی خوشحال نمی شوم، زیرا آنگاه سرمایه انحصاری آمریکا برای به انحراف کشیدن اذهان از مناسبات داخلی، به تهاجم خارجی دست خواهد زد.

کنکرت: بنابراین آیا وظیفه اردوگماه سوسیالیستی این است که بقاء سرمایه های آمریکایی را امکان پذیر سازد؟ کوچینسکی: نه بقاء، بلکه ادامه حیات آن را امکان پذیر سازد.

کنکرت: شما بیان داشتید که ایده بحران دوره ای شما را کمتر خوشحال می کند. کوچینسکی: اگر آن بحران ادواری بروز کند، به کمترین خوشحال می شوم. کنکرت: فکر می کنید که این بحران بروز نمی کند؟

کوچینسکی: من در همین سال منتظر بروز آن هستم و این مرا نگران می کند، مثلاً من نگران نیکاراگوئه هستم.

کنکرت: یعنی همان استراتژی کهنه: انحراف اذهان بیکاران و اشتغال آن به اعمال قهرمانانه و وطن پرستانه؟

کوچینسکی: دقیقاً همین است. در سال ۱۹۲۲ برای اولین بار یک هیئت نمایندگی سی اتحاد شوروی به کنفرانس صلح در لاهه دعوت شد. اولین پیشتر با نمایندگان صحبت کرد و گفت: تحت هر شرایطی باید مانع جنگ شد، زیرا در لحظه شروع جنگ طبقه حاکم، اکثریت قاطع مردم و طبقه کارگر را با شعار دفاع از سرزمین پدری زیر پرچم خود می کشد. این بررسی پس از وقایع سال ۱۹۱۴ توسط نگرانی من هم در همین است. اما مسلماً علیه بحران کاری نمی شود کرد.

کنکرت: آیا بحران بعدی آخرین بحران است؟

کوچینسکی: نه. امیدوارم که نباشد.

بیشتر اوضاع می انجامد. جامعه بین المللی می تواند با اقدامات مناسب مانند فشار بیشتر دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی و تحریم فروش تسلیحات نظامی به دو طرف درگیر به پایان یافتن جنگ کمک نماید.

ترور و جنایت محکوم است

سرانجام دو ماه پس از انتشار خبر مفقود شدن حمید چیتگر در اتریش، پلیس وین جسد وی را در آپارتمانی در این شهر کشف کرد. به گزارش پلیس، چیتگر در روز ۱۹ ماه گذشته در این آپارتمان به ضرب گلوله به قتل رسیده و رد و اثری از قاتل به جا نمانده است. طبق این گزارش آپارتمان مذکور چند ماه پیش از آن تاریخ از سوی یک تبعه ترکیه اجاره شده بوده است که اینک نشانی از مستاجر در دست نیست.

به گزارش روزنامه "کوریر" چاپ اتریش همسر چیتگر، رژیم جمهوری اسلامی را عامل ترور چیتگر معرفی کرده است. او معتقد است که علی آیز طبع که از حدود دو سال پیش از طریق مکاتبه از ایران با چیتگر تماس داشته، عامل رژیم بوده و سرانجام با سفر به خارج از کشور و قرار ملاقات با چیتگر در اتریش وی را بدام انداخته و بقتل رسانده است.

روزنامه "کوریر" همچنین می نویسد که یک ناشناس در تماس تلفنی با یک خبرنگار یک روزنامه ترکی در وین خود را سخنگوی "حزب کارگری کردستان ترکیه" معرفی نموده و اعلام داشته است که ترور چیتگر و رفیق ترک او به توسط این سازمان و به جرم "خیانت" انجام گرفته است. صحت این ادعا به گزارش پلیس اتریش مشخص نیست. پلیس اتریش امکان دست داشتن فعال رژیم جمهوری اسلامی در این ترور را بیشتر می داند. چیتگر از مبارزان علیه شاه خمینی و عضو "حزب کار ایران" بود. وی بدنبال دستگیری توسط رژیم جمهوری اسلامی و پس از مدت کوتاهی، از زندان گریخته پس از خروج از کشور از کنور فرانس تقاضای پناهندگی نمود. با تأسف از این ماجرا ضمن تسلیم به خانواده و دوستان چیتگر، امیدواریم که با روشن شدن دقیق چند و چون ماجرا عاملان ترور وی مشخص شوند.

جنگ قدرت...

این باعده شدن مناقشات جمهوری اسلامی با کشورهای امپریالیستی، در عین تقویت هرچه بیشتر موقعیت شخص خمینی و دولت خد متکدارش، برای رفسنجانی، به خاطر معرفت شریبه عنوان معمار مناسبات با غرب، برخلاف همقطاراننش موفقیت و موقعیتی در بر نداشت است. بسی جهت نیست، آنگونه که خبرگزاریهای غربی از موضع گیریهای ضد آمریکایی خائمانی و منتظری و از طرفی موسوی نخست وزیر، خبر می دهند، از رفسنجانی این سخنگوی سیاست گذار رژیم اسلامی، کمتر سخنی به میان می آورند. باید انتظار داشت تا سیر حوادث آیند و نقشی که هر کدام از این شخصیت ها در آن پر عهده خواهند گرفت، تعیین گریزان نفوذ سیاسی و راقم سرنوشت آتی هر یک باشند.

پژواک نشریه سیاسی - خبری جنبش توده ایهای مبارز انفضالی
 آدرس پستی: جدید پژواک
 Postfach 380246 بها، معادل ۱/۵ مارک آلمان فد رال
 1000 Berlin 38 Nr.12 10.8.87 Pejvak